



فهرست مطالب

۲	سرکوب و سازش دو سوی یک سیاست اند
۳	اسماعیل بخشی، پس از یک ماه شکنجه‌های جسمی و روانی آزاد شد
۴	پیام تبریک به مناسبت سال نو میلادی
۴	مروری به اعتراضات درخشان دانشجویان به مناسبت روز دانشجو
۶	فاطمه (شاپرک) شجری زاده - شاپرکی که از کاشان به پارلمان کانادا پرکشید!
۸	برای آزادی کارگران فولاد! برای رهایی ایران!
۸	وحید صیادی نصیری پس از ۶۰ روز اعتصاب غذای خشک، جان باخت
۹	در جبهه نبرد طبقاتی
۱۵	حکم ۱۰ سال و نیم زندان محمد حبیبی، عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان
۱۵	عملیات تروریستی چابهار، عملی جنایتکارانه و خدمت به ارتجاع و امپریالیسم است
۱۶	میزان ثروت شاه، میزان غارت شاه
۱۸	مختصری از سخنان دکتر ناصر زرافشان، پیرامون وضعیت کارگران
۲۰	صد سالگی انقلاب نوامبر در آلمان و همبستگی بین‌المللی توفان با آن
۲۲	فروش سلاح به عربستان را متوقف کنید!
۲۴	سخن هفته
۲۵	بمباران تروریستی سوریه نقض آشکار تمامیت ارضی و نقض حقوق ملل است
۲۶	بیانیه حزب کمونیست کارگران فرانسه
۲۸	گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش
۳۱	پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام

سرکوب و سازش دو سوی یک سیاست‌اند

به بهانه خیزش دیماه ۹۶، خیزشی برای نان و آزادی

یکسال از اعتراضات و خیزش درخشان تهیدستان دیماه می‌گذرد و جامعه ایران هنوز از تب و تاب نیافتاده است. روزی نیست که اعتصابات و اعتراضات کارگران، دانشجویان، بازنشستگان، معلمین و غیره... سر تپتر مطبوعات کشور را به خود اختصاص نداده باشند. همه شواهد نشان از آن دارد که جناح‌های مختلف حاکمیت در مجموع خود کماکان در کلاف سردرگم گرفتاراند، ترس و واهمه از فروپاشی به بدنه نظام سرایت کرده و دیوار دستگاه قدرت شکاف عظیمی برداشته است. اوضاع عمومی کشور نیز وخیم است؛ رکود، تورم، گرانی، فقر، بی‌خانمانی، بیکاری، فحشا و اعتیاد، قتل و دزدی و غارت اموال عمومی و غیره... در چنین وضعیت نابسامانی حاکمیت بیش از هر چیز از روند رو به رشد جنبش کارگری در هراس است، چرا که این طبقه کارگر است که معیشت جامعه را تولید می‌کند و بار بحران را بر دوش خود می‌کشد. پرولتاریای ایران چنانچه پا به میدان مبارزه روی در روی به‌گذارد، حاکمیت هست و نیست خود را از کف خواهد داد.

واکنش سران حاکمیت به عدم تحریک کارگران شاید در وهله نخست با شاخ و شانه کشیدن دستگاه قضائی کشور برای فعالین کارگری، که با زندان و شکنجه‌های جسمی و روانی همراه است، متناقض به نظر آید، ولی هر دو پیرو یک سیاست‌اند، و آن دورنگاه داشتن کارگران از مبارزه متشکل سیاسی است. حاکمیت می‌کوشد تا از یکسو با تهدید و تحدید، سرکوب و کشتار کارگران و مبارزان راه آزادی، مردم جان به لب رسیده را بر سر جایشان بنشانند، و از سوی دیگر برای کاهش تحریم و تهدیدات خارجی به هر دری می‌زند، تا با امپریالیسم به نوعی سازش کند. سرکوب و سازش دو سوی یک سیاست‌اند. هدف حفظ قدرت و تحکیم نظام است.

سوی دیگر واقعیت این است که جنبش اعتراضی مردم، که در دیماه سال گذشته آغاز شد و تا به امروز ادامه یافته است، یک روند تکاملی را طی می‌کند، تکاملی، که اعتراضات مردمی را از مراحل بدوی به تدریج به مراحل عالی و عالی‌تری سوق می‌دهد. نیروی محرکه چنین حرکتی بدون تردید طبقه کارگر ایران است. روند روبه رشد و تکامل مبارزات توده‌ها نه تنها به تغییر کمی، بلکه و بخصوص به تغییر کیفی می‌انجامد. این تغییر کیفی را می‌توان در ترکیب طبقاتی این اعتراضات، در نوع بیان و تنوع خواست‌ها و مطالبات آنها در همبستگی اقشار جامعه با پرولتاریای ایران دید. یکی از ویژگی‌های برجسته این تغییر کیفی خروج کارگران از محیط کارخانه و ورود به عرصه مبارزه سیاسی است. حضور قدرتمند و متداوم پرولتاریا آن پشتوانه محکمی است که حمایت و همبستگی دیگر اقشار جامعه را به خود جلب می‌کند؛ سقف مطالبات اعتراضی مردم

را بالاتر می‌برد؛ شعارهای مردم کوچه و خیابان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ آنها را از هرگونه گرایشات انحرافی دور نگاه می‌دارد؛ به حفظ استقلال و پاکیزگی در امر مبارزه اهمیت می‌بخشد. اینچنین است که کارگران ایران در جایگاه درخور شأن خود ایستاده‌اند و همه کس به آنها به دیده اکرام و احترام می‌نگرد. این حقیقت متقن را باید نه فقط بیان نمود، بلکه باید کوشید آن را همیشه برجسته نمود، دید توده‌های زحمتکش را به افق‌های دوردست متوجه ساخت و آینده را بر پایه این اعتماد و ایمان و ایقان استوار نمود.

«روزنامه جوان» که وابسته به سپاه پاسداران است، در دیماه سال گذشته نوشت که «شعارهای ساختارشکن و تخریب‌گر نشان از وجود «تنفر» است. تنفر مذکور را می‌توان محصول انباشته شدن «احساس تحقیر و تبعیض» و «فاصله طبقاتی» دانست». این اعتراف «روزنامه جوان» به «فاصله طبقاتی»، بیان این واقعیت است که نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران در همه عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به بن‌بست رسیده است و دست‌آوردی جز فقر، تحقیر، تبعیض و هزاران آلام اجتماعی دیگر برای مردم رنج‌دیده ما نداشته است و به حق مورد «تنفر» توده‌ها قرار گرفته است. اما این «تنفر» نمی‌تواند مایه و محرک تغییر و تحول در جامعه ایران باشد، چون نفرت نوعی رمیدگی است، فرار و گریز است و نه ماندن و امر به تغییر شرایط. آنچه که تغییر و تحول را موجب می‌شود، عمل از روی آگاهی است که ناگزیر با سازمان‌درمی‌آمیزد. پیروزی و موفقیت مبارزات مردم ایران در گروهی این دو اصل است.

اینکه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران تاکنون دوام یافته است به این علت است که هیچ نیروئی در برابر او قدرنفریافته و برای براندازی آن گامی برنداشته است. طولانی شدن بحران کنونی و تداوم اعتراضات و اعتصابات کارگری، اگرچه رعب و وحشت بر پیکره حاکمیت انداخته است و همه جناح‌ها را متحد ساخته است و این همان اتحادیست که مردم از دیماه سال گذشته به این سوی از آن عبور کردند، ولی می‌تواند به فرسایش مبارزات و خستگی و ناامیدی توده‌ها به‌انجامد، چنانچه جنبش نتواند در طی روند رو به رشد سازمان و سامان یابد. ما بارها و بارها تأکید کرده‌ایم که شرط موفقیت در امر مبارزه تشکیلات و رهبریت.

پرولتاریای ایران در راهی قدم گذاشته است که برای تحقق آراء خود ناگزیر است به حزبیّت روی آورد. کارگران ایران به حزب سیاسی و طبقاتی خود نیاز دارند، تا در مصاف با بورژوازی به‌توانند به موفقیت و پیروزی دست یابند. بر اساس این تجارب باید ترویج و تبلیغ کرد که طبقه کارگر به وحدت و تشکیلات نیاز دارد، تا به‌تواند جنبش اعتراضی مردم را رهبری کند و به سرمنزل مقصود برساند.

حزب کار ایران (توفان) این وظیفه کمونیستی را در دستور کار خویش قرار داده است و بی‌حزبی و سرفروودآوردن در قبال اعتراضات خودجوش و بی‌دورنما را نه تنها راه حل خروج از بحران کنونی نمی‌داند، بل دنباله‌روی از بورژوازی و شکست و بن‌بست سیاسی و به زیان منافع کارگران و زحمتکشان ارزیابی می‌کند. ●

اسماعیل بخشی، پس از یک ماه شکنجه‌های جسمی و روانی آزاد شد

اسماعیل بخشی، یکی از کارگران آگاه و شجاع «نیشکر هفت‌تپه»، پس از یکماه شکنجه‌های جسمی و روحی روز چهارشنبه، ۲۱ آذرماه، با وثیقه ۴۰۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شد. اعتراضات گسترده داخلی و بین‌المللی سبب شد رژیم ضد کارگر جمهوری سرمایه‌داری اسلامی عقب‌بنشیند و شماری از کارگران بازداشتی را با وثیقه آزاد کند. طبق گزارشات رسیده، اسماعیل بخشی در طول مدت بازداشت به شدت مورد ضرب و جرح و شکنجه‌های جسمی و روحی قرار گرفته است. شرایطی پیش‌او گذاشته‌اند که امکان ارتباط و مصاحبه نباشد. امکان آن جوش و خروش، که او بعنوان یک کارگر پیشرو و حق‌طلب قبل از زندان بر سر زبان‌ها بود، ظاهر نه‌شود. وی آزاد شده است، اما به شدت تحت کنترل اراذل و اوباش امنیتی جمهوری اسلامی است. از اسماعیل بخشی تعهد گرفته‌اند که هیچ عکس و فیلم و مصاحبه‌ای منتشر نشود. «سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه» مورخ ۳ دیماه ۱۳۹۷ مطلبی در شبکه تلگرام خود تحت عنوان «اسماعیل بخشی، همچنان بخشی از جنبش کارگری ایران است»، انتشار داده است و در مورد سکوت معنادار او پس از آزادی چنین نوشت:

«علی‌رغم هرگونه فشار به اسماعیل بخشی و بازداشت او و دیگر کارگران در هفت تپه و اهواز در هفته‌های گذشته، باعث نخواهد شد که خواست و مطالبات کارگران در سینه‌ها خفه شود. اسماعیل بخشی بعنوان یک کارگر و نماینده کارگران هفت‌تپه همچنان در صف طبقه کارگر قرار دارد. سکوت معنادار اسماعیل بخشی پر معناتر از هارت و پرت افراد و جریان‌اتی بود، که تحت عنوان دفاع از کارگران، وجود سندیکای هفت تپه را منکر شدند و بود و نبود نمایندگان کارگری از جمله اسماعیل بخشی و علی نجاتی را در هفت تپه را آگاهانه خط زدند. بله، سکوت اسماعیل بخشی رساتر از هر صدایی بود که سعی نمودند با خیررسانی، یک چهره دروغین از خود بسازند. اسماعیل بخشی نماینده و صدای کارگران هفت تپه بوده و هست و سکوت معنادار او باعث نشد که کارگران هفت تپه و در بعد سراسری، کارگران ایران، اسماعیل بخشی را فراموش کنند. اسماعیل بخشی بعنوان یک کارگر و بعنوان یک نماینده واقعی در سخت‌ترین شرایط در کنار کارگران ایستاد و حاضر نشد به منافع کارگران پشت کند. سندیکای کارگران هفت تپه ضمن حمایت همه‌جانبه از اسماعیل بخشی، از تمام زحمات تاکنونی او، قدردانی کرده و امید داریم که با پشت سر گذاشتن این دوران سخت، شاهد حضور دوباره او باشیم. بی شک کارگران هفت تپه و دیگر کارگران در ایران برای نمایندگان خود و کارگرانی که در راه حق‌خواهی و کسب مطالبات کارگران قدم بر می‌دارند، ارزش و احترام خاصی قائل خواهند بود. سندیکای کارگران هفت تپه خواستار آن است که پرونده‌سازی علیه اسماعیل بخشی پایان پذیرد و علی نجاتی از نمایندگان اسبق کارگران هفت تپه و عضو کنونی سندیکای کارگران هفت تپه، سریعاً و بی‌قید و شرط و بدون قرار وثیقه آزاد گردد.» نکات فوق بیان روشن همبستگی سندیکای کارگران هفت تپه با اسماعیل بخشی، یکی از رهبران این سندیکا است و در عین حال بیان محکومیت ضرب و جرح و شکنجه‌های وحشیانه‌ای است که بر او اعمال شده است. این بیانیه در عین حال تودهنی محکمی به جریان‌ات منحرف و مخربی است که وجود این سندیکای رزمنده و مستقل را منکر شدند و «بود و نبود نمایندگان کارگری از جمله اسماعیل بخشی و علی نجاتی در هفت تپه را آگاهانه خط زدند».

مبارزه کارگران هفت تپه و همبستگی بین کارگران و سایر اقشار جامعه

نویدبخش و در عین حال بسیار آموزنده است. حملات وحشیانه رژیم سرمایه‌داری به کارگران اقدامی حساب شده در جهت تداوم سیاست‌های نئولیبرالی و ادامه استثمار و تحمیل فقر و گرسنگی و خانه‌خرابی به کارگران است. در چنین شرایطی کارگران هفت تپه راهی جز اتحاد و تشکل و پیوند با سایر هم‌سرنوشتان خود در سراسر ایران، که از ظلم و ستم مشابه‌ای رنج می‌برند، ندارند.

حزب کار ایران (توفان) بهترین دروهای خود را به اسماعیل بخشی و همه کارگران مبارز انقلابی ایران، که پرچمدار مبارزات دموکراتیک و ضد نئولیبرالیستی در ایران هستند، می‌فرستد. ما امروز شاهدیم که امثال اسماعیل بخشی‌ها در زیر سلطه سرکوب رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی برای کسب حقوق و نیل به مطالبات خود، به مبارزه بدون ترس از پیگرد، زندان و شکنجه ادامه می‌دهند. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، که دشمن طبقاتی همه کارگران است، در خدمت منافع سرمایه‌داران مانع از آن است که کارگران به حقوق حقه خود دست یابند، به ایجاد سازمان‌های صنفی و مستقل موفق گردند. رژیم ضد کارگر تلاش می‌کند، همبستگی کارگران را درهم شکسته و با استثمار شدید کارگران و بی‌حقوقی آنها، به ایجاد نفاق و دو دستگی میان کارگران دامن زده و ابلهانه چنین وانمود کند که دلیل مبارزه کارگران بیکاری نیست، فقر نیست، خصوصی‌سازی‌ها و رانت‌خواری‌ها و فساد حکومتی و غیر حکومتی نیست، بلکه تجریکات خارجی است! حزب ما اطمینان دارد که رفقای کارگر هفت تپه این دسیسه‌های جمهوری اسلامی را با وحدت و همبستگی خود با کل کارگران شاغل در ایران درهم خواهند شکست. ● در زیر تقدیر نامه اسماعیل بخشی از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

تقدیرنامه:

مردم ایرانم درود

اسماعیل چگونه می‌تواند محبت سرشارتان را فراموش کند؛ چگونه می‌تواند در یادتان نباشد، هنگامی که شما در سخت‌ترین لحظات زندگی‌ام به یادم بودید و مهرتان را بر من و خانواده‌ام بارانیدید. در روزهای گذشته در شرایطی بودم که نه قلم یاری می‌کرد و نه ذهن و جانم، حتی واژه‌ها هم با من بیگانه شده بودند، اما دیگر تاب این بار سنگین را ندارم، پس می‌کوشم با روح پریشانم، لکنت زبانم و قلم لرزانم، در ثنای قطره‌ای از مهرتان چیزی بنگارم. ابتدا یاد می‌کنم از کارگران رنج‌دیده و با وفای هفت تپه و خانواده‌ی بزرگوارشان، که تا روز آخر در کنار خانواده‌ام بودند و امروز که پس از گذشت چهل روز در محل کار حاضر شده‌ام، با اینکه دیگر معنای آزادی را دیگر نه می‌فهمم نه درک می‌کنم، اندکی احساس آزادی کردم، ای آزاد دلان.

یاد می‌کنم از تمام هم طبقه‌ای‌های کارگرم و از تمام تشکلات و سندیکاهای کارگری کشورم که حامی برادر کوچک‌شان بودند.

یاد می‌کنم از معلمان عزیزم، جامعه‌ی پزشکان و پرستاران مهربانم، بازاریان و تمام اصناف و انجمن‌هایی که مهرورانه برام مهر ورزیدند.

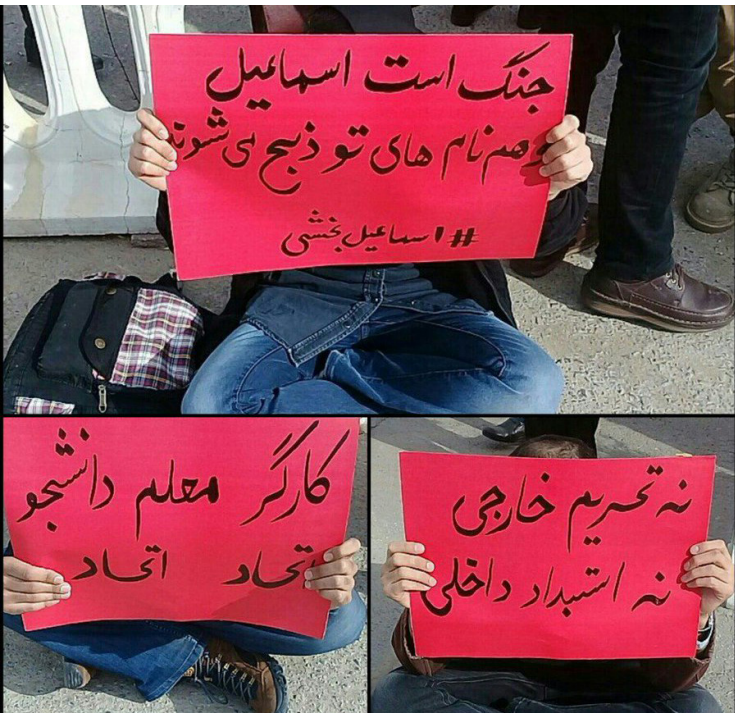
یاد می‌کنم از هنرمندان و نویسندگان و شاعران خوش فکر و خوش ذوق کشورم. و بسیار خاص و خیلی ویژه یاد می‌کنم از دانشجویان عزیزم، دانشجویان نازنینم، شاپرکان زیبایی میهنم، فرزندان رعناي سرزمینم، دوستان دارم.

و در آخر در جواب همه‌ی عزیزانم، که در ایام بازداشت شعاری «من هم اسماعیل بخشی هستم» را یا گفتند یا نوشتند تا هم مرا حامی باشند و هم خانواده‌ی غمگینم را دل آرام، پاسخ‌تان می‌دهم: «من هم فدایی شما هستم».

اسماعیل بخشی ۲/۱۰/۱۳۹۷

ارسالی به کانال تلگرامی سندیکای کارگران هفت تپه

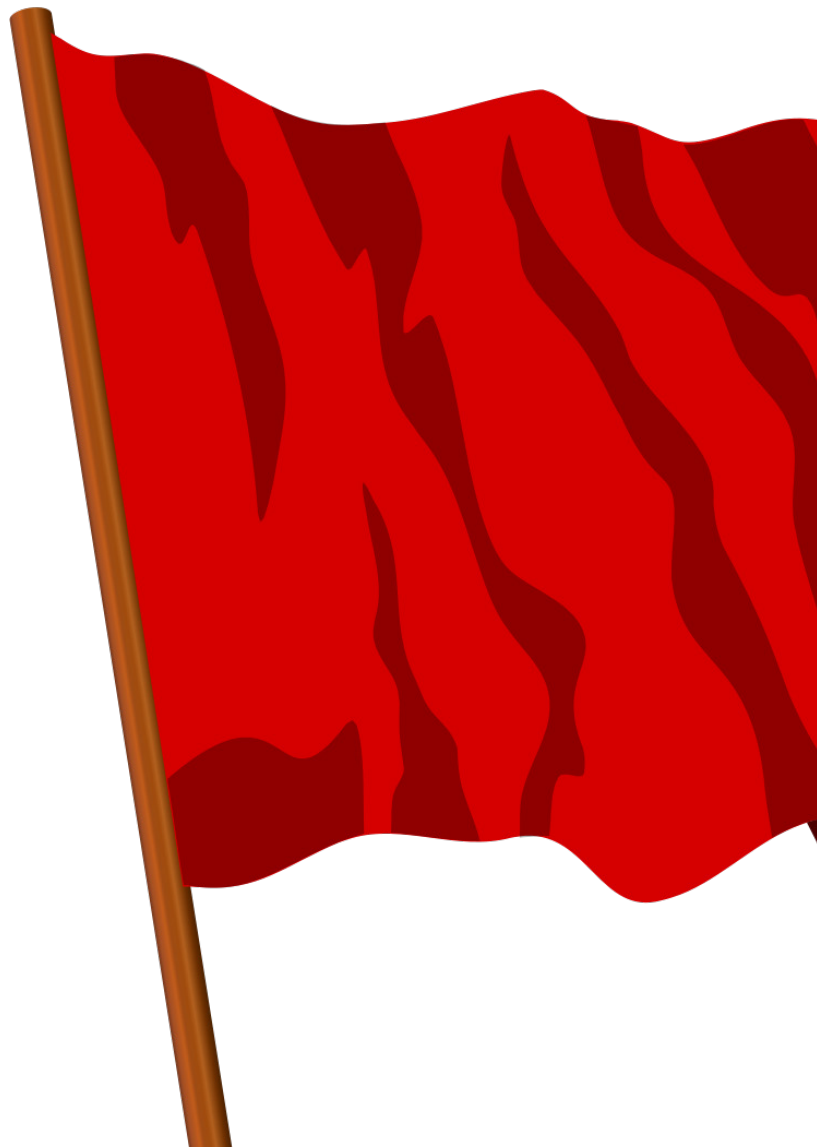
بازگشت اسماعیل بخشی به کار: امروز اسماعیل بخشی نماینده کارگران هفت تپه در محل کار خود در شرکت شروع به کار کرد. عکس با همکاران در واحد سرویس کاری تجهیزات مکانیکی ●



مروری به اعتراضات درخشان دانشجویان به مناسبت روز دانشجو

دانشگاه همیشه در ایران استبدادزده نه تنها کانون برگزیدگان علم و دانش برای کسب آزادی و استقلال، بلکه همیشه سنگر مقاومت، سنگر مبارزه بر علیه استبداد دو نظام ضد مردمی، اولی نظام خونخوار و کاملاً وابسته به امپریالیسم آمریکا و دومی نظام جهل، نظام ترور و خفقان جمهوری اسلامی نیز بوده است. اگر دانشجویان در پس کودتای ننگین آمریکا-انگلیس و به دفاع از نخست وزیر قانونی و منتخب مردم به پا خاستند و ارتش شاه با ارسال نیروی مسلح و سرکوب به دانشگاه بهترین فرزندان خلق، از جمله احمد قندچی، مصطفی بزرگ نیا و مهدی شریعت رضوی را به شهادت رساند، قشر دانشجویان با شرکت در انقلاب پرشکوه بهمن ۵۷، و با اعتراضات و اعتصابات در سال‌های پس از انقلاب از پای نه‌نشست و ۱۸ تیر ۱۳۷۸ نقطه عطف مبارزات قشر دانشجویی ایران برای احقاق حقوق برحق خود و دیگر اقشار و طبقات جامعه بود.

دانشجویان مبارز ایران در جنبش سال ۸۸ نیز شرکت فعال داشتند و از آنجا که رهبری جنبش در دست بخشی از حکام بود، نمی‌توانست به پیروزی بزرگی دست یازد و نه‌یافت. پس از آن و با پیوستن برخی مهره‌های اصلاح‌طلبان به دشمنان برون مرز، دستگاه‌های رسانه‌ای اجنبی از جمله رسانه‌های اسرائیلی-عربستان سعودی-آمریکایی با به خدمت گرفتن برخی ایرانیان مزدور و وطن‌فروش تلاش کردند



پیام تبریک به مناسبت سال نو میلادی

سال نو میلادی فرا رسید. فرصت را مغتنم می‌شماریم سال جدید را به هموطنان مسیحی و همه رفقا، دوستان و یاران تبریک می‌گوئیم. به امید اینکه سال ۲۰۱۹، سال تشدید پیکار طبقاتی علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم جهانی و پیشروی کارگران و زحمتکش‌ها و همه خلق‌های تحت ستم جهان برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی باشد. برای همه عزیزان موفقیت و شادی و سربلندی آرزو مندیم.

سال نو مبارک!

زنده باد سوسیالیسم، این پرچم‌رهای بشریت!
حزب کار ایران (توفان)

۳۱ دسامبر ۲۰۱۸

مشکل شده‌اند و زیر بار مخارج فزاینده‌ی زندگی کمر خم کرده‌اند. ما دانشجویان می‌بینیم که پولی‌سازی گسترده‌ی دانشگاه‌ها خود فشار مضاعفی است بر دوش خانواده‌هایی که در همه‌ی ساحت‌های زندگی‌شان تحت فشارند. ما دانشجویان ناگزیر در کنار کارگران، کامیون‌داران، معلمان، کولبران و زنان به قربانیان مشترک این سیاست‌های سودپرستانه و منفعت‌طلبانه بدل شده‌ایم.»

بیانیه به دسیسه‌های خائنین و مزدوران ایرانی، که مست از پول‌های بادآورده آل سعود، اسرا نیل و آمریکا در رسانه‌های برون مرز پیرامون تحریم‌های ضد مردمی اربابان‌شان هیاهو برافراشته بودند، نیز چنین اشاره می‌کند:

«ما بر خود لازم می‌دانیم یادآوری کنیم در تمام این سال‌ها علاوه بر فشار سیاست‌های اقتصادی حاکم، بار سیاست‌های ابر قدرت‌ها نیز بر دوش ما بوده است. ما امروز در دانشگاه‌ها نمی‌توانیم از شر فشارهای تحریم‌های یابیم. با افزایش قیمت ملزومات تحصیل و حتی زیست روزمره‌مان همه تحت تأثیر تحریم از دسترس ما خارج شده‌اند. ابرقدرت‌ها از یک سو با تحریم ظالمانه و از سوی دیگر با هجوم سرمایه‌های‌شان، سرمایه‌های امریکایی، اروپایی، روسی، چینی و هندی در قالب مناطق آزاد تجاری یا صنعتی به منطقه، سفره‌های ما را خالی می‌کنند، نیروی کارمان را ارزان‌تر می‌سازند و بار نفع شخصی‌شان را بر گردن ما می‌گذارند. نتیجه‌ی سیاست‌های آنان و قدرت‌های منطقه‌ای نیز چیزی جز جنگ‌افروزی مداوم در منطقه ما نبوده که دود آن به چشم ما ساکنان منطقه در کشورهای مختلف رفته است.»

بیانیه در ادامه به سیاست‌های نئولیبرالی در ایران، از جنایتکاران اقتصادی در سطح جهان پرده برمی‌دارد:

«همزمان با این سیاست‌ها، پیاده‌سازی نسخه‌های بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و به تازگی بانک اروپا، که از جانب همه دولت‌ها از سازندگی و اصلاحات گرفته تا مهرورزی و اعتدال در ایران بی‌کم و کاست ادامه داشته، موجب شده فشار تحریم‌ها مستقیماً حیات ما را هدف قرار دهد. برای مثال در داخل دانشگاه‌ها، تحریم‌های اقتصادی بهانه‌ای به دست مجریان سیاست‌های نئولیبرالی داده است، تا کاهش فزاینده‌ی خدمات رفاهی را توجیه و کسب سود مضاعف کنند؛ این سیاست‌گذاران منفعت‌طلبی شخصی‌شان را در پناه آنچه «جنگ اقتصادی» امپریالیسم با ایران نامیده‌اند، به درون دانشگاه‌ها و بر سر سفره‌های مردم کشانده‌اند.»

در حالی که تبلیغات چند ده ساله دشمنان درون و برون مرز، که اتحاد اقشار و طبقات زحمتکش و همبستگی دانشجویان با زحمتکش‌شان را بر نمی‌تابد، خائنین برون مرز دل به جهان‌خواران بسته‌اند و حکام دل به نیروهای سرکوب، بیانیه دانشجویان آنچنان روشن و شیوا از رمز پیروزی دفاع می‌کنند که ادامه این مبارزه بدون تردید پیروزی بر دشمنان مردم را نوید می‌دهد:

«آنچه شرح‌اش رفت، تصویر مختصری بود از یورش همه‌جانبه‌ی اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی به تمام عرصه‌های زیست اجتماعی انسان زمانه‌ی ما. اکنون در آستانه‌ی شانزدهم آذر ۱۳۹۷، ما دانشجویان در همبستگی با اعتراضات هموطنان‌مان در همه‌ی

به درون جنبش‌های مردمی رسوخ کرده، آنرا به بی‌راهه برند. در اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶، که به جنبش گرسنگان معروف گشت، اینجا و آنجا انحراف در شعارها را تجربه کردیم. جوانی که به دنبال کار بود، جوانی که به دنبال نان بود، جوانی که به دنبال مسکن بود، جوانی که به دنبال آزادی و عدالت اجتماعی بود، با شعار «رضا شاه! روح شاد» به بی‌راهه، به ناکجاآباد می‌رفت. این تعداد معدود از ناراضیان از یاد بردند که رضاخان را اجنبی آورد و همان اجنبی در دورانی دیگر او را از تحت سلطنت به‌زیرافکند. او هیچ اختیاری از خود نداشت و «روح شاد رضا خان میرینج» نمی‌توانست با خواست‌های به‌حق مردم هماهنگی داشته باشد. او نوکر اجنبی بود چنانچه همان اجنبی فرزندش را نیز با کودتا به مقام پادشاهی رساند. رسانه‌های اجنبی مست از شعارهای اشتباه چند تن در دی ماه ۱۳۹۶ دم به دم ولی حال آشکار و بی‌شرمانه با اربابان‌شان به حيله‌گری و دسیسه دست زدند. آمریکا را به حمله نظامی به ایران تشویق می‌کردند و تحریم‌های ضد مردمی اربابان‌شان را نیز کافی نمی‌دانستند. غافل از اینکه مبارزه در ایران نه به‌دست دشمنان مردم در عربستان، اسرائیل و آمریکا، که به‌دست مردم رقم می‌خورد و این مبارزه تا پیروزی نهایی ادامه دارد. اعتراضات چند ماه گذشته نشان از تداوم مبارزه، نشان از پختگی مبارزه مردم ایران است. تنها چند ماه از دی ماه نگذشته بود که طبقه کارگر ایران، معلمین غیور، رانندگان شرکت واحد ایران در شرایطی دیگر و با دست رد به رسانه‌های اجنبی در جای جای کشور دست به اعتراض زدند و با شعارهای روشن ضمن دفاع از حقوق حقه خود در برابر حکام فاسد، دخالت اجنبی در امور داخلی کشور را شدیداً محکوم کرده و «روح شاد رضا شاه» قلدر را به گورستان تاریخ سپردند.

همزمان که کارگران و فرهنگیان زحمتکش ایران به خاطر اعتراض به حقوق حقه خود توسط ارادل و اوباش و نیروهای سرکوب حکام دستگیر می‌شدند، قشر مبارز دانشجویی ایران به یاری‌شان شتافتند و طی چند روز چنان اتحادی بین کارگران، معلمین، رانندگان شرکت واحد، زنان و بازنشستگان بوجود آمد و این اتحاد و همبستگی چنان لرزه به اندام حکام ایران انداخت که نیروهای سرکوب شبانه به منازل دانشجویان، کارگران، فرهنگیان، وکلا و هجوم آوردند و تعدادی از آنان را با خود به بازداشتگاه‌ها بردند. روشن است اعمال سیاست‌های نئولیبرالی، نارضایتی و اعتراضات زحمتکش‌شان را با خود می‌آفریند و زندان و شکنجه نمی‌تواند مرحمی بر نارضایتی باشد که خود نارضایتی و اعتراضات بیشتر را دامن می‌زند.

امسال به مناسبت شانزده آذر شوراها‌ی صنفی دانشجویان ایران بیانیه‌ای صادر کردند که در نوع خود بی‌نظیر است. در بخشی از بیانیه به سیاست‌های خصوصی‌سازی چنین اشاره رفته است:

«اما ماجرای خصوصی‌سازی تنها به دانشگاه ختم نمی‌شود. خصوصی‌سازی منطقی فراگیر است که همه‌ی حوزه‌های حیات اجتماعی را هدف قرار داده است. ما به چشم خود می‌بینیم که پدران و مادران ما، کارگران و بازنشستگانی که عمری را برای گذران زندگی و امرار معاش در کارخانه‌ها و اداره‌ها و مدارس به زحمت و رنج گذرانده‌اند، امروز حتی برای دریافت حقوق ماهیانه‌شان هم دچار



فاطمه (شاپرک) شجری زاده - شاپرکی که از کاشان به پارلمان کانادا پرکشید!

شیرزنان ایران در چهل سال گذشته فرزندان قهرمانی را دردمان خود پرورانده‌اند که برگ‌های پرافتخاری بر صفحات تاریخ مبارزه و مقاومت مردم مبارز ایران افزودند. مادران و دخترانی که برای عدالت اجتماعی، نان، آزادی مبارزه کردند، سخت‌ترین شکنجه‌ها را در زندان‌ها قهرمانانه متحمل شدند و یا به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. نه! هیچگاه نمی‌توان چنان کور بود که این تلاش‌ها و مبارزات قهرمانانه را فراموش کرد و آنرا به دشمنان خارجی و در رأس آن به آمریکا ربط داد. اما سال‌هاست که برخی حرکات به نام «جنبش زنان» با شیوه‌های کم و بیش مشابه‌ای تکرار می‌شود و نباید و نمی‌توان بی‌تفاوت از کنار آن گذشت. نمونه فاطمه (شاپرک) شجری‌زاده آخرین نمونه‌ایست که از کاشان پرید و یک راست پشت تریبون پارلمان کانادا نشست!

شجری زاده کیست؟

فاطمه شجری‌زاده با نام مدرن تر «شاپرک»، زنی چهل و دو ساله، دارای یک فرزند و بنا به ادعای خود، تا اسفند ماه سال جاری کوچک‌ترین فعالیت سیاسی و اجتماعی نداشت. او در دفاع از «پروژه مسیح علی‌نژاد» روسری سفید خود را بر سر چوبی زد و متعاقباً هم دستگیر شد. پس از چند روز زندانی بودن در اولین فرصت از ایران خارج شد. هفت ماه و اندی پس از خروج ایشان از ایران وی در فهرست

سپه‌های اجتماعی، اعلام می‌کنیم که مقاومت در برابر حملاتی که ما را از بدیهی‌ترین حقوق خود همچون آموزش و سلامت و مسکن محروم می‌کنند و فقر و فلاکت و گرسنگی را همگانی می‌سازند، مستلزم اتحادی همگانی در برابر عاملان داخلی و خارجی این سیاست‌های فاجعه‌بار است. جریان صنفی دانشجویی اعلام می‌کند که در اتحاد و پیوند با معلمان، کارگران و دیگر زحمتکشان در مقابل حملات سیاست‌های داخلی و خارجی علیه زیست‌مان اتحاد ما علیه این سیاست‌ها نه تنها پیشروی به سمت احقاق حقوق بدیهی مان بر آموزش و سلامت و مسکن و اشتغال است، بلکه مبتنی بر استقلال خود از قدرت‌ها و ضدیت با منطق سود، چشم‌انداز عدالت اجتماعی، سیاست‌گذاری مردمی و صلح را پیش چشم خود خواهد داشت، می‌ایستد».

نقش دانشجویان در پیوند با دیگر زحمتکشان جامعه بس خطیر بوده و هست و به واقع این قشر مبارز چنان روشن و بی‌پروا دست رد بر اجنبی زد که رسانه‌های خارج هنوز از گیجی آن بیرون نیامده‌اند.

چندی قبل ۶۳ تشکل دانشجویی به خاطر سالروز قیام دانشجویی هیجده تیر بیانیه‌ای منتشر کردند و در آن آزادی بی‌قید و شرط دانشجویان بازداشتی طی چند ماه گذشته را خواستار شدند که سردمداران نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به این خواست‌ها وقعی نه‌نهادند. پس از آن ۶۸ تشکل دانشجویی بیانیه جدیدی بر علیه بی‌عدالتی و به دفاع از حقوق تمام زحمتکشان جامعه منتشر کردند که در آن چنین آمده بود: «چگونه است که به جای پی‌گیری و بررسی عاملین و موثرترین بر بحران‌های مختلف کشور، منتقدین وضعیت به زندان محکوم می‌شوند». بیانیه به دفاع از دیگر زحمتکشان جامعه چنین می‌آورد:

«تاریخ جنبش دانشجویی همواره گواهی به حرکت مردم بوده و واقعیت‌های جامعه را بازنمایی کرده است»

تلاش دشمنان مردم چه در حکومت و چه در اپوزیسیون در گسست دو نسل مبارز برای احقاق حقوق خود با شکست روبرو گشت. دانشجویان در کنار دیگر زحمتکشان جامعه در تجربه آموختند که رمز پیروزی نه در گسست بلکه در پیوند تمام زحمتکشان و با استفاده از تجربه گذشته امکان‌پذیر است. جنبش دانشجویی ایران با همبستگی با معلمان، کارگران، رانندگان، نویسندگان، بازنشستگان، کانون وکلا، زنان و جوانان قدم به یک دوره جدید و پیرومند نهاد. جنبش دانشجویی ایران با گسست از «دفتر تحکیم وحدت»، که برخی از چهره‌های آن اکنون با دشمنان برون مرز هم‌زبانی و همکاری می‌کنند، به آرمان‌های انسانی، ضد استبداد و ضد اجنبی شانزده آذر سی و دو بازگشت و با رد برنامه‌های مزدوران و خائنین مردم و با اتخاذ شعار «نه تحریم خارجی، نه استبداد داخلی، رمز پیروزی وحدت دانشجو و کارگر» نقش ارزنده خود را ایفا نمود.

حزب کار ایران (توفان) تردیدی ندارد که زحمتکشان ایران همراه با جنبش مستقل دانشجویی راه درستی را در پیش گرفته‌اند و پیروزی قطعی از آن مردم ایران است. حزب ما در این راه همراه و هم‌صدا با جنبش دانشجویی ایران است و از هیچ کوششی در ارتقا سطح آگاهی و مبارزات دانشجویان دریغ نخواهد کرد. ●

غیرممکن است. البته پیش از ایشان خانم نازنین افشین جم، دوست دختر سابق رضا پهلوی و همسر وزیر پیشین دفاع کانادا، هم از طریق همین نهادهای حقوق بشری! بارها «نماینده‌گی» ایرانیان و زنان ایران را عهده دار شد! چه مصیبتی که هر روز یک زن با حمایت محافل مشکوک و در لباس اپوزیسیون و بدون پرسش از زنان مبارز، چپ و میهن‌دوست، «نماینده» همه زنان می‌شود و از سوی همگان سخن می‌گوید!

«شاپرک» شجری‌زاده یکی از سرمایه‌گذاری‌های بسیار کوچک و ناقابل تبلیغاتی امپریالیستی هست. مسیح علی‌نژاد، استاد شجری‌زاده و استاد هشتگی در مدت سه سال قریب به ۲۳۰ هزار دلار (BBG) کاسب شد. باید دید ایشان چه عایدش می‌شود. «شاپرک» شجری‌زاده قبل از اینکه پشت تریبون برود و درس خود را نزد مسیح علی‌نژاد به‌خواند، از بانوان سیاست‌مدار کشورهای جهان خواست: «... در شرایطی که زنان ایران برای گرفتن حق خود مبارزه می‌کنند، بهتر است که آنان از حجاب اجباری تبعیت نکنند». این خانم آنقدرها هم که برخی فکر می‌کنند زرنگ و باهوش نیست او فقط حرف‌های مسیح علی‌نژاد را تکرار کرد. «شاپرک» شجری‌زاده با توجه به اقامت شش ماهه خود در کانادا تسلط نسبتاً خوبی به زبان انگلیسی دارد، اما از معضلات زنان در ایران برحسب جایگاه طبقاتی‌اش آگاه نیست. گویا تنها لچک اجباری را دیده است.

امروز زنان وطن‌مان همگام با مردان علیه استثمار و افزودن سود و منافع حاکمیت جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند. مبارزه آنان برای ایجاد شرایط بهتر کاری، برخورداری از حق بیمه درمانی، پرداخت‌های منظم و عادلانه به بازنشستگان، علیه ساعات کار طولانی و دستمزدهای پایین، الزام رعایت ایمنی در محیط کاری از طرف کارفرمایان و هزاران نابسامانی و بی‌عدالتی هاست که در ماهیت این نظام طبقاتی نهفته است. با توجه به چنین شرایطی، خواست اعمال تحریم‌های جنایت‌کارانه اقتصادی اقدامی ضد بشری است، چرا که تحریم‌ها پیامدهای وحشتناکی برای مردم میهن‌مان و خصوصاً برای زحمتکشان جامعه به دنبال خواهد داشت. سرنگونی نظام فاسد سرمایه‌داری و زن‌ستیز جمهوری اسلامی، استقرار آزادی و عدالت اجتماعی با حفظ تمامیت ایران می‌تواند به دست مردم تحقق یابد و نیازی به «هشتگ» بازی و اپوزیسیون سازی‌های جعلی و امپریالیستی - صهیونیستی نیست. باید هوشیار بود. دشمن از درون و بیرون در کمین نشسته است و قصد سواری بر هر موج نارضایتی را دارد. در افشای بی‌امان دشمنان ریز و درشت مردم ایران به‌کوشیم.

صد زن موفق و تاثیرگذار در عرصه‌های مختلف از طرف بی.بی.سی معرفی شد! زنی که به ادعای خود تنها به خانه‌داری مشغول بود و فعال سیاسی هم نبود، به یکباره در لیست صد زن تاثیرگذار در جهان معرفی می‌شود! دنیای غریبی است! نام شیر زنان تظاهرات هفت تپه، سخنرانی دلیرانه زنان معترض صنّف معلمان و اعلام همبستگی آنان با مبارزات کارگران، تظاهرات دختران و زنان دانشجو و حمایت آنان از اعتراضات زحمتکشان... هیچ‌کدام ارزش نداشتند، تا در لیست زنان تأثیرگذار بی.بی.سی جای گیرند!؟

حال به‌بینیم چگونه پیش زمینه‌های «شهرت جهانی فاطمه شجری‌زاده» فراهم شد. خانم نسرین ستوده یک روز پس از دستگیری شجری‌زاده در تماس تلفنی با رادیو فردا بیان کرد که شاپرک خانم دو هفته پیش از بازداشت خود به دفتر ایشان مراجعه کرده است و از ستوده درخواست نموده تا در صورت بازداشت اش وکالت او را بر عهده گیرد! احسنت به این خانم که هیچ سابقه فعالیت اجتماعی نداشته، ولی از چنین درایتی بهره‌مند بود که پیش از دستگیری به وکیل مراجعه کند و تدابیر لازم در صورت دستگیری خود را اتخاذ نماید! ویدئوی گریه و زاری شاپرک خانم به دلیل صدور حکم مجازات مبنی بر دو سال تعزیری و هجده سال حبس تعلیقی در دنیای مجازی از طرف مسیح علی‌نژاد و وکیل ایشان و بسیاری دیگر سریعاً پخش شد. اما چیزی نگذشت که پرده به کنار رفت و معلوم شد شاپرک شجری‌زاده یک ماه قبل از صدور حکم و پخش ویدئو در سطح اینترنتی، ایران را ترک کرده بود! هفت ماه بعد کاشف به عمل آمد که از میان زنانی که در ارتباط با همین اکسیون دستگیر شدند، چرا ایشان گل سرسید مجلس شدند!

باری بعد از چندماه اقامت در کانادا، ایشان به «نماینده‌گی» از سوی زنان ایران! در جلسه «نهاد حقوق بشری راثول والنبرگ» در پارلمان کانادا شرکت کرد. برگزارکنندگان این نشست ترکیبی از نمایندگان پیشین و فعلی پارلمان کانادا بودند. ریاست جلسه را ادوین کاتلر، وزیر پیشین دادگستری کانادا، که ارادت خاصی نسبت به سازمان خودفروخته مجاهدین رجوی دارد، عهده‌دار بود. هدف از تشکیل این جلسه از طرف لابی موافقین تحریم‌ها علیه ایران با هدف به تصویب رساندن قطعنامه تحریم پارلمان کانادا علیه ایران در روز سه شنبه یازده دسامبر بوده است. شجری‌زاده ضمن صحبت از حجاب اجباری به عنوان خشوت علیه زنان پیام اصلی خود را مبنی بر تحریم علیه ایران، که در راستای خواسته لابی مذکور بود، به گوش جهانیان رسانید. پس از انتقادهای بسیار در سطح رسانه‌ای، تلاش فراوان شد تا درخواست تحریم ایشان را ماست مالی کنند، ولی موفقیت چندانی کسب نه‌کردند. شجری‌زاده در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «...زن عادی می‌تونه صدای خودش باشه. از تریبونی که بهش داده شد استفاده کنه و از نقض آشکار حقوق بشر در ایران بگه» آری شما حق نظر داشتن و نظر دادن دارید. اما شما به «نماینده‌گی» از سوی زنان ایران! و علیه خواست مردم میهن‌تان سخن گفتید! هرکس که خارج از ایران زندگی می‌کند، واقف است که راهیابی به پارلمان و سخنرانی حتی برای پناهندگان سیاسی با نام و نشان که سال‌هاست اقامت کشورهای دیگر را دارند، کاری بس دشوار و حتی

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران

برای آزادی کارگران فولاد! برای رهایی ایران!

سپیده قلیان (فولیان) متولد ۱۳۷۴، دانشجوی ترم چهارم رشته دامپزشکی در اهواز، با تودیع وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی موقتاً تا زمان برگزاری دادگاه از بازداشتگاه اداره اطلاعات این شهر آزاد شد. وی در شامگاه جمعه ششم اسفندماه، در اهواز، در منزل پدری‌اش، توسط مأموران اوباش امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. گناه این دانشجوی مبارز و شجاع، دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان ایران بوده است. سپیده قلیان پس از آزادی موقت، نامه سرگشاده‌ای انتشار داده است که پرده از اعمال ضرب و شتم و شکنجه‌های روانی بر او برمی‌دارد. افتخار بر این زن دلیر و آگاه که همراه با ده‌ها هزار زن و مرد و کارگر و دانشجو و معلم در ایران پرچم مبارزه بر علیه رژیم سرمایه‌داری و کارگر ستیز جمهوری اسلامی را برافراشته است. این زنان، الگوی رهایی و مایه افتخار مردم ایران اند. در زیر متن نامه را ملاحظه فرمائید.

متن نامه سرگشاده سپیده قلیان

هفت تپه یک اتفاق تاریخی در گذشته‌ای دور برای درس و عبرت سیاسی کارگران نیست. آنچه که در هفت تپه گذشت، آغاز سیاست‌ورزی طبقاتی کارگران به شکل عیان و تمام عیار بود. سرکوب کارگران هفت تپه هم با دستگیری‌ها، نه آغاز شد و نه پایان یافت! سرکوب در هفت تپه با حمله‌ی همه‌جانبه به معیشت کارگران، با تصویب حداقل حقوق‌های تحقیرآمیز، با روی کار آمدن سیاست‌های خصوصی‌سازی آغاز شده بود و اکنون نیز به شدت تداوم دارد. افراد، گروه‌ها و جریان‌های مختلفی به اشکال گوناگون به حمایت از کارگران هفت تپه پرداختند. کارگران، معلمان، وکلا، فعالان اجتماعی و سیاسی، دانشجویان، و هر آنکه دل در گروی آزادی و عدالت اجتماعی دارد، از هفت تپه حمایت کردند.

من هم به عنوان یک دانشجو و کارگر، مانند صدها تن از مردم شوش، به سبب نزدیکی محل زندگیم، حمایت از اعتراضات هفت تپه را با حضور در کنار آنها به جای آوردم. و البته این به مذاق نهادهای امنیتی خوش نیامد و بازداشت شدم. در طول سی روز بازجویی مداوم، اتهاماتی همچون عضویت در گروه‌های سیاسی و تلاش برای سیاسی‌کردن هفت تپه به من زده شد. و من نمی‌دانم چه چیزی سیاسی‌تر و جدی‌تر از شعارهای چند هزار کارگر هفت تپه بود که من بخواهم دخالتی در وقوعش داشته باشم؟ سی روزی که با ضرب و شتم شروع شد و با شکنجه‌های روانی ادامه پیدا کرد و با وثیقه‌ی پانصد میلیون تومانی، چنان که گویی من مرتکب جنایت شده‌ام، پایان یافت. در حال زندگی همچنان ادامه دارد.

مخاطبان این متن از یک سو رفقا و عزیزانی هستند که نگران وضعیت من بودند و از سوی دیگر آنان که از تخریب و تحقیر من در این مدت سرخوش شدند. سرخوشی‌شان مدام باد.

مقاومت ادامه دارد. برای آزادی همه

برای آزادی کارگران فولاد.

برای رهایی ایران

سپیده قلیان ۱۰/۳/۹۷

وحید صیادی نصیری پس از ۶۰ روز اعتصاب غذای خشک، جان باخت

وحید صیادی نصیری، زندانی سیاسی در زندان لنگرود قم، در اثر شدت فشارهای وارده در اعتصاب غذا، روز چهارشنبه ۲۱ آذر ماه در بیمارستان درگذشت.

وحید صیادی نصیری از جمله زندانیان سابق سیاسی، که در زندان لنگرود قم که از تاریخ ۲۱ مهر ماه سال جاری در اعتراض به عدم رعایت اصول تفکیک جرائم زندانها و همچنین محرومیت از دادرسی عادلانه و عدم توجه مسئولان زندان برای انتقال وی به زندان اوین در اعتصاب غذا بسر برد و سرانجام پس از ۶۰ روز اعتصاب غذای خشک جانش را از دست داد. وحید صیادی مانند بسیاری از زندانیان سیاسی به جرم «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به مقدسات اسلام» بازداشت شده بود.

رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی از آنجا که بنابر ماهیت‌اش نمی‌تواند به خواست‌های دموکراتیک و حقوق عموم مردم ایران و نیروهای سیاسی پاسخ دهد و از دامنه گسترش مبارزات توده‌ها هراسناک است، مذبوحانه تلاش می‌کند تا با اعمال خشونت، با سرکوب، زندان، شکنجه، قتل و یا تعهدات سنگین مالی و عدم رسیدگی دارویی و بهداشتی زندانیان سیاسی از تداوم مبارزه ممانعت بعمل آورد. لیکن تا زمانی که ظلم و زور، تبعیضات، فساد، فقر، بی‌عدالتی، سرکوب، اختناق و بربریت در جامعه حاکم است، زمینه بروز و رشد این جنبش‌ها و اعتراضات نیز اجتناب‌ناپذیر است و رژیم لرزان و پوسیده قرون وسطائی را توان مقابله با آن نخواهد بود. قتل وحید صیادی نصیری و اعدام‌های وحشیانه مخالفین و به‌گیر و به‌بند‌های سیاسی ناشی از ضعف سیاسی حاکمیت است و نه نشان از قدرت او.

حزب کار ایران (توفان) ضمن دفاع قاطع از حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی، مدنی، اجتماعی، احزاب و سندیکا و... رژیم جمهوری اسلامی را مسئول و مسبب مرگ وحید صیادی نصیری می‌داند و به شدت آن را محکوم می‌کند. ما از همه نیروهای مترقی و مردمی و سازمان‌ها و تشکلات مستقل بین‌المللی مدافع حقوق بشر می‌خواهیم به جمهوری اسلامی اعتراض کنند و این بی‌توجهی به زندانیان سیاسی را که اغلب موجب مرگ آنها می‌شود، محکوم نمایند. رژیم انسان‌ستیز جمهوری اسلامی سرانجام به سرنوشتی دچار خواهد شد که رژیم سلطنتی و سرسپرده پهلوی شد و جز این نیز نخواهد بود.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران!

برای آزادی فوری و بی قید شرط کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی بکوشیم!

حزب کار ایران (توفان)

۲۲ آذر ۱۳۹۷



در جبهه نبرد طبقاتی

چکیده‌ای از اعتصابات و اعتراضات درخشان کارگران و زحمتکشان در آذرماه

اعتراضات کارگران، کشاورزان، معلمان، دانشجویان و دیگر اقشار زحمتکش ایران بی‌وقفه همچون ماه‌های قبل ادامه دارد و در مقابل هرگونه تهدید، فشار و فریب، با قدرت و هوشیاری دست به مقاومت می‌زنند، تا با کسب مطالبات برحق خود، شیرینی پیروزی را به‌چشند. نیروهای ضدکارگری داخلی و خارجی، با طرح خواسته‌های غیرواقعی و یا با عدم طرح خواسته‌های کارگران و یا با ماندن در سطح و عدم طرح علت مسائل بوجود آمده، سعی دارند تا کارگران را از مسیر خود خارج و آن‌ها را خسته و پشیمان سازند، تا شرایط مصیبت‌بار کنونی را برای کارگران و زحمتکشان قابل تحمل و جاودانه کنند.

همزمان با اوج‌گیری بیشتر اعتراضات کارگری به‌ویژه کارگران هفت تپه و عزم کارگران برای دست‌یابی به خواسته‌های برحق خود، فشارهای دستگاه‌های امنیتی و انتظامی جمهوری سرکوب اسلامی نیز افزایش یافته است. جمهوری اسلامی و دستگاه‌های امنیتی - پلیسی آن همراه با روحانیون و سرمایه‌داران تلاش دارند، تا در گام نخست، با توسل به ارباب و سرکوب و زندان و شکنجه، کارگران را به بردگی و قبول وضعیت کنونی مجبور سازند. بورژوازی حاکم می‌کوشد از سویی با توسل به فریب و اندکی عقب‌نشینی و پذیرش بخشی از حداقل مطالبات کارگران اقتصادی در مذاکرات ساختگی با نمایندگان جعلی کارگران و آزادکردن برخی از بازداشت‌شدگان فعالین کارگری، اعتصاب‌کنندگان را به سر کار خود بازگرداند. این سیاست ضدکارگری نیز کارساز نبوده و کارگران، که از جهنم کنونی در رنج و عذاب‌اند، به هیچ‌وجه تسلیم تهدید و فشارهای ضدانسانی مسئولین و سرمایه‌داران نشده و نمی‌شوند و به زیر بار زورگویی‌های

این زالوصفتان نمی‌روند. کارگران «هفت تپه» و «فولاد اهواز» و دیگر کارگران ایران با درایت و آگاهی دست رد بر سینه جناح‌های ریاکار جمهوری اسلامی زده و در مقابل جناح‌های مختلف سرمایه‌داری حاکم، که همگی در پدیدآوردن وضع موجود شریک‌اند و در چهار دهه به غارت و چپاول ثروت و دسترنج آنها زده‌اند، مقاومت می‌کنند. باید دستگیری‌های خودسرانه کارگران، معلمان معترض، فعالین مدنی و رهبران اتحادیه‌های کارگری را به شدت محکوم کرد و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه فعالین کارگری و اجتماعی از زندان شد. باید از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران، که هرگز از پای نه‌نشسته‌اند و علیه خصوصی‌سازی، اخراج دسته جمعی و برای دریافت حقوق معوقه و اضافه دستمزد و برای تشکیل سندیکای مستقل می‌رزمند، قاطعانه دفاع کرد و هر اندازه این اقدامات متشکل‌تر و جمعی‌تر صورت گیرد، موثرتر واقع خواهد شد. همانطور که بارها تحلیل کرده‌ایم، کارگران ایران راهی جز مبارزه متحد علیه بی‌عدالتی‌های موجود و ظلم و زوری، که رژیم مستبد و مافیائی سرمایه با تمام جناح‌هایش بر آنها روا می‌دارد، ندارند. پیروزی را باید کیشان کیشان به دست‌آورد، اما پیروزی نهائی در اتحاد همه کارگران و زحمتکشان در زیر پرچم حزب واحد و مارکسیستی - لنینیستی طبقه کارگر است. این تنها مسیر ممکن برای رهائی طبقه کارگر ایران از یوغ بندگی سرمایه‌داری است. در زیر چکیده مبارزات کارگران و زحمتکشان در ماه گذشته، آذر ماه ۱۳۹۷ از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

هفت تپه

آذر

اعتصاب و تجمع کارگران نیشکر هفت تپه در اول آذر، هجدهمین روز را پشت سر گذاشت. کارگران هفت تپه برای پرداخت نشدن چهار ماه دستمزد و اخراج بخش خصوصی ناکارآمد و نیز برای آزادی نمایندگان خود، «مسلم آرمندا»، «اسماعیل بخشی»، «حسن فاضلی» و «محمد خنیفر» به اعتصاب و تظاهرات خود ادامه

می‌دهند.

تلاش کارگران به ثمر نشست و سه نفر از نمایندگان بازداشتی به اسم «محمد خنیفر»، «مسلم آرمند» و «سیدفاضل خنیفر» آزاد شدند. ولی «اسماعیل بخشی» و «خانم قلیانی» همچنان در بازداشت به سر می‌برند.

«کارگر زندانی آزاد باید گردد!»؛ «نان کار آزادی، اداره‌ی شورایی!»؛ «اتحاد، اتحاد، اعتصاب!»

ابراز همدردی کارکنان شرکت کاغذ پارس هفت تپه با کارگران نیشکر هفت تپه.

۲ آذر

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در فراخوان به حمایت از بازداشتی‌های تجمع مسالمت‌آمیز کارگران هفت تپه، آورده است که «اعتصاب، تجمع، اعتراض و تشکلیابی از حقوق بدیهی، قانونی و انسانی کارگران است». و کارگران با تمام توان برای آزادی «اسماعیل بخشی» و نیز «خانم سپیده قلیان»، که برای همدلی با کارگران بازداشت شده است، کوشیده و از هیچ تلاشی فروگذار نخواهند کرد.

جمعی از کارگران و خانواده‌های کارگری سندج حمایت خود را از کارگران هفت تپه و فولاد اهواز اعلام داشتند.

در بیانیه خود آورده‌اند که «حمایت و همبستگی کارگران، فرهنگیان، دانشجویان، مردم شوش و حمایت سایر بخش‌های طبقه کارگر از جمله، کارگران عسلویه، هپکو اراک، فولاد اهواز، پتروشیمی ماهشهر، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، معلمان و فرهنگیان و پشتیبانی بسیاری دیگر از تشکلهای افراد از اعتصاب کارگری هفت تپه به تقویت و پیروزی نهایی اعتصاب کمک می‌کند. ... لذا ما جمعی از کارگران و خانواده‌های کارگری سندج حمایت بی‌دریغ خود را از اعتصاب و اعتراض کارگران هفت تپه و فولاد اهواز اعلام می‌داریم و خواهان آزادی بی‌قید، تمامی بازداشت شدگان این اعتراضات از جمله نماینده کارگران هفت تپه، اسماعیل بخشی هستیم».

۳ آذر

جمعی از کارگران شاغل در شهرک‌های صنعتی جابان و خرم‌دشت حمایت خود را از کارگران هفت تپه و فولاد ملی اهواز و خواسته‌های بر حق کارگران اعلام داشتند.

در اطلاعیه آنان آمده است که «ضمن اعلام حمایت از کارگران اعتصابی هفت تپه از تمامی کارگران و زحمتکشان ایران می‌خواهیم که همچون چند روز گذشته در کنار کارگران هفت تپه بایستند و همبستگی طبقاتی خود را نشان داده تا قوت قلبی باشد برای این کارگران اعتصابی. و همه با هم برای آزادی اسماعیل بخشی، یکی از نمایندگان کارگران هفت تپه و همینطور سپیده قلیان، خبرنگاری که به همراه دیگر کارگران هفت تپه بازداشت شد تلاش کنیم».

۴ آذر

کارزار معلمان، کارگران و فعالان مدنی در حمایت از کارگران خوزستان.

۶ آذر

کارگران شرکت آریان فولاد شهرستان بوئین زهرا مقابل فرمانداری این شهر در حمایت از کارگران اعتصابی شرکت‌های گروه ملی فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه دست به تجمع زدند.

خواسته‌ها و مطالبات کارگران هفت تپه و تمام کارگران و زحمتکشان ایران:

۱- آزادی کارگران زندانی

۲- لغو سیاست خصوصی‌سازی

۳- پرداخت تمام مطالبات معوقه

۴- انجام طبقه‌بندی شغلی

۵- و سایر مطالبات صنفی.

۷ آذر

مبارزه در همه حال ادامه دارد و تعطیل بردار نیست. شعار کارگر بیمار و بستری در بیمارستان: «نه رستمی نه بیگی، شرکت بشه دولتی!»؛ «کارگر زندانی آزاد باید گردد!».

تجمع دانشجویان دانشگاه هنر تهران در همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز با شعارهای: «فرزند کارگرانیم؛ کنارشان می‌مانیم!»؛ «هفت تپه خوزستان، الگوی زحمتکشان!»؛ «نان، کار، آزادی، اداره شورایی!».

۸ آذر

اعلام همبستگی و حمایت دانشجویان دانشگاه زنجان با کارگران نیشکر هفت تپه با شعارهای: «نان، کار، آزادی، اداره شورایی!»؛ «کارگر زندانی آزاد باید گردد».

«علی نجاتی» از اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه با هجوم مأموران امنیتی و انتظامی به منزلش بازداشت شد.

کانون صنفی فرهنگیان شهرستان الیگودرز در بیانیه‌ای در خصوص اعتراضات کارگران هفت تپه، هپکو و دیگر کارگران، آورده است که: «صنایع مختلف کشور به تدریج به بخش خصوصی واگذار شدند، در این واگذاری‌ها، که اغلب به افرادی خاص با مطامع مختلف صورت می‌گرفت، کارگران رنج دیده صنایع از یک طرف با این جابجایی‌ها علاوه بر تعدیل نیرو، به دلیل سیاست‌های ضد کارگری صاحبان جدید، روز بروز فقیرتر می‌شدند و از طرفی مالکان تازه به جای پرداختن به معیشت این قشر زحمتکش به کمک نیروهای پلیس و گارد ویژه به سرکوب و منکوب نمودن آنها روی می‌آوردند. ... کانون صنفی فرهنگیان شهرستان الیگودرز در این حرکت حق طلبانه در کنار تمامی کارگران زحمتکش و رنج‌دیده کشور عزیزمان از جمله کارگران هفت تپه قرار داشته و ضمن حمایت از خواسته‌های صنفی و حق طلبانه کارگران زحمتکش، خواهان پاسخ‌گویی مدیران

شرکت به خواسته‌های آنان می‌باشد».

هفت تپه و فولاد اهواز اعلام کردند. زهی بی شرمی! فعالین کارگری سندج حمایت خود را از کارگران هفت تپه اعلام داشتند و خواهان آزادی کارگران زندانی گشتند.

۱۵ آذر

حمایت پرستاران تهران از کارگران هفت تپه و فولاد اهواز. حمایت فعالین کارگری شهرستان سقز از «علی نجاتی» و «اسماعیل بخشی» و اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز.

۱۶ آذر

حمایت جمعی از معلمان از کارگران و دانشجویان. «معلم، کارگر، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد!».

قطعنامه اضطراری کنگره چهارم کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری، «آی.تی.یو.سی» در همبستگی با کارگران و دانشجویان در ایران خواستار آزادی کارگران بازداشتی از جمله «اسماعیل بخشی» و «علی نجاتی» و به رسمیت شناختن اتحادیه‌ها و شوراهای مستقل کارگری در ایران شد.

فراخوان کارزار سراسری در حمایت از کارگران هفت تپه و برای آزادی «اسماعیل بخشی»، «علی نجاتی» و «سپیده قلیان». در این فراخوان آمده است: «کارزار سراسری برای آزادی اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان و حمایت از مبارزات کارگران هفت تپه و فولاد را تا پیروزی آنها ادامه دهیم و اجازه ندهیم که تهدید و سرکوب مانع از حمایت ما کارگران از یکدیگر شود». «کارگر متحد و متشکل همه چیز، کارگر منفرد و متفرق هیچ چیز!».

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کانون صنفی معلمان تهران، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، معلمان عدالت‌خواه.

۱۷ آذر

تجمع و سخنرانی دانشجویان دانشگاه سمنان در حمایت از کارگران هفت تپه و «اسماعیل بخشی».

تجمع دانشجویان دانشکده هنر دانشگاه هنر و معماری در دفاع از دانشجویان، کارگران هفت تپه و «اسماعیل بخشی».

۱۸ آذر

اعلام همبستگی دانشجویان دانشگاه چمران اهواز با کارگران و معلمان.

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی در حمایت از کارگران و معلمان.

۲۱ آذر ماه

«اسماعیل بخشی»، نماینده کارگران هفت تپه، از زندان آزاد شد.

۲۲ آذر

«سپیده قلیان» بعد از یک ماه بازداشت، با تودیع وثیقه‌ی ۵۰۰

سندیکای کارگران شرکت واحد با صدور بیانیه‌ای ضرب و شتم و اعمال خشونت بر «اسماعیل بخشی» را قویاً محکوم و خواهان آزادی فوری او گشته است. در این بیانیه می‌خوانیم: «نیروهای امنیتی برای مقابله با اعتراضات کارگران هفت تپه، به منظور ارباب و سرکوب نمایندگان کارگران، با آزار و اذیت روحی و ضرب و شتم جسمی، تلاش کرده‌اند اتهامات واهی امنیتی مدنظر خود را به اسماعیل بخشی تحمیل کنند. ... کارگران نیشکر هفت تپه به درستی و با اتحاد و اعتصاب، برای آزادی اسماعیل بخشی و تحقق دیگر خواسته‌های خود دست از اعتراض برحق خود برنداشته‌اند. اعتصاب و اعتراض حق مسلم کارگران است و هیچ کارگری نباید به دلیل اعتصاب و اعتراض صنفی بازداشت، زندانی و مورد ضرب و شتم، آزار، تعقیب، بازداشت و یا شکنجه قرار گیرد».

نامه بیش از ۸۰ سندیکا و تشکل کارگری از سراسر دنیا به علی خامنه‌ای در محکومیت سرکوب کارگران و معلمان و خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط «علی نجاتی»، «اسماعیل بخشی»، «سپیده قلیان» و ... به علی خامنه‌ای.

۱۰ آذر

کارگران هفت تپه اوج اعتقاد به دمکراسی واقعی، دمکراسی کارگری، دمکراسی اکثریت جامعه را، با رأی‌گیری برای ادامه اعتصاب نشان دادند. نشان دادند که در همه حال به اکثریت اعتقاد دارند و بر مبنای نظر اکثریت حرکت خواهند کرد. در رأی‌گیری برای ادامه اعتصاب، اکثریتی نزدیک به ۹۶٪ به ادامه اعتصاب رأی دادند و عزم خود را برای به دست آوردن مطالبات خود و تلاش برای آزادی زندانیان به نمایش گذاردند.

۱۱ آذر

حضور یکی از کارگران نیشکر هفت تپه به نمایندگی از طرف کارگران هفت تپه در جمع کارگران فولاد اهواز و اعلام حمایت از اعتصاب فولاد اهواز.

پیام کارگران ایران خودرو در حمایت از زحمتکشان هفت تپه و فولاد اهواز و آقایان «بخشی»، «نجاتی» و «خانم سپیده قلیان».

۱۲ آذر

دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه با بدست داشتن پلاکاردهایی حمایت علنی خود را از نمایندگان زندانی هفت تپه، مطالبات و اعتصاب اعلام کردند. «دانشجو، کارگر، معلم، اتحاد اتحاد!».

بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در حمایت از مطالبات کارگران و دانشجویان

۱۳ آذر

«عسل محمدی»، فعال کارگری و دانشجوی داروسازی واحد علوم دارویی دانشگاه آزاد تهران، توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی بازداشت و به «اوین» منتقل شد. مقامات قضایی دلیل بازداشت «عسل محمدی» را اقدام پیش‌گیرانه برای حمایت نکردن از کارگران

میلیون تومانی آزاد شد.

راه آهن

۱۱ آذر

کارگران قطار شهری اهواز صبح یکشنبه ۱۱ آذر برای دومین روز پیاپی مقابل ساختمان سازمان قطار شهری اهواز تجمع و سفره خالی نمادین پهن کردند.

۱۲ آذر

نزدیک به ۱۰۰ کارگر پیمانی قطار شهری اهواز در سومین روز از اعتصاب در اعتراض به عدم پرداخت ۱۸ ماه حقوق خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران دیگر

۳ آذر

کارگران روغن نباتی جهان، بار دیگر در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و ۱۰ ماه مزد معوقه خود تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۵ آذر

تجمع تاکسی‌داران نقده در مقابل شورای شهر این شهر

۶ آذر

جمعی از بازنشستگان سراسر کشور در مقابل اداره کار در تهران تجمع کردند. تجمع کنندگان شعار می‌دادند: «درد ما، درد شماست مردم به ما ملحق شوید!».

۲۶ آذر

کارگران پتروشیمی فارابی در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و مطالبات معوقه در چهارمین دور از اعتراض صنفی خود دست از کار کشیدند.

۲۷ آذر

فراخوان به اعتصاب عمومی در شهر بانه در اعتراض به کشتار کولبران

شهر داری

۱ آذر

کارگران روزمزد شهرداری منطقه ۷ کرمانشاه در اعتراض به پرداخت نشدن حق بیمه و معوقات تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲ آذر

کارگران شهرداری کرمانشاه در مقابل شهرداری تجمع کردند.

۳ آذر

در کرمانشاه کارگران شهرداری منطقه ۷ این شهر برای دومین روز پیاپی در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهایشان دست از کار کشیدند و مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند.

کشاورزان

۵ آذر

حمله نیروی انتظامی به مسجد محل تجمع کشاورزان و شکستن شیشه‌های مسجد در زیار، از توابع اصفهان.

۲۲ آذر

تجمع اعتراضی کشاورزان برای مطالبه احیای زاینده رود در مسجد گلزار اصفهان.

فولاد اهواز

۳ آذر

مأموران یگان ویژه با صف بستن جلوی کارگران می‌خواستند مانع از حرکت آنها بشوند، که کارگران با ایستادگی آنها را مجبور به عقب نشینی کردند.

نیروهای انتظامی در تظاهرات مسالمت‌آمیز کارگران گروه ملی اهواز به ضرب و شتم کارگران پرداختند. در حالی که کارگران شعار می‌دادند: «می‌ایستیم، می‌میریم حق مونو می‌گیریم!».

۵ آذر

تظاهرات کارگران فولاد اهواز در خیابان‌های شهر.

«ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد می‌جنگیم می‌جنگیم!»؛ «اهواز شده فلسطین، مردم چرا نشستین!»؛ «خوزستان می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد!».

کانون صنفی معلمان تهران پیرامون اعتراضات صنفی کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد خوزستان، بیانیه‌ای صادر کرد و از خواسته‌های کارگران حمایت کرد.

۱۳ آذر

در آستانه ۱۶ آذر، روز دانشجو، نیروهای بسیج به تجمع آرام و مسالمت‌آمیز دانشجویان در حمایت از کارگران و دانشجویان زندانی در پلی تکنیک تهران، به صورت کاملاً وحشیانه‌ای حمله کردند. «توب، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد!».

۱۴ آذر

تجمع کارگران گروه ملی فولاد اهواز در بیست و ششمین روز از اعتصاب ادامه داشت. «دانشجوی باغیرت تشکر تشکر».

کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری ایران با صدور اعلامیه‌ای حمایت خود را از کارگران اعلام داشت و در آن تأکید کرد که: «کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری ایران، قاطعانه از اعتصاب کارگران هفت تپه تا رسیدن به خواسته‌های قانونی آنان حمایت می‌کند و از تمام مردم و طبقه کارگر و حامیان کارگران می‌خواهد در این برهه، که تمام نیروهای سرمایه‌داری علیه اتحاد و اعتصاب کارگران هفت تپه بسیج شده‌اند، از کارگران پشتیبانی کنند».

دانشجویان کرمانشاه حمایت خود را از کارگران هفت تپه و فولاد اهواز و هپکو اراک اعلام داشتند.

حمایت سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از کارگران فولاد اهواز!
اعلام همبستگی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با کارگران گروه ملی فولاد اهواز.

۱۹ آذر

تجمع کارگران فولاد اهواز در سی و یکمین روز از اعتراض همچنان ادامه دارد. کارگران کفن‌پوش به خیابان‌ها آمده‌اند «می‌ایستیم، می‌میریم ذلت نمی‌پذیریم».

۲۰ آذر

تجمع گروهی از کارگران تهران در حمایت از کارگران فولاد اهواز و کارگران نیشکر هفت تپه.

«میثم آل مهدی» از کارگران شرکت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز توسط نهادهای امنیتی بازداشت شد.

۲۷ آذر

حداقل ۴۱ کارگر فولاد اهواز طی ۲ روز گذشته بازداشت شدند. اسامی این کارگران عبارتند از: «میثم علی قنوتی»، «عیسی مرعی»، «امین علوانی»، «مرتضی اکبریان»، «طارق خلفی»، «مسعود عفری»، «جعفر سبحانی»، «مصطفی عبیات»، «غریب حویزروی»، «کریم سیاحی»، «حامد باصری»، «حافظ کنعانی»، «حامد جودکی»، «حسین داودی»، «کاظم حیدری»، «یاسر ابراهیمیان»، «مجید جنادله»، «کوروش اسماعیلی»، «علی عقبا»، «محسن بلوطی»، «محمد پورحسن»، «محسن بهبهانی»، «سید حبیب طباطبائی»، «جاسم رومزی»، «علی اتمامی»، «سیدعلی جوادپور»، «جواد غلامی»، «عبدالرضا دستی»، «سیداحمد سیدنور»، «فریبرز شیخ رباط»، «احسان یوسفی»، «بهزاد علیخانی»، «احمد باوی»، «آرش محمدپور»، «میثم آل مهدی»، «سیدمصطفی موسوی»، «سیدمجید موسوی»، «امیر دهقان»، «مجید جلالی»، «حسین عساکره»، «بهزاد شهبازی». یازده تن از کارگران زندانی فولاد اهواز چهارشنبه با قرار کفالت آزاد شدند.

اسامی کارگران آزاد شده: «حبیب طباطبایی»، «جواد غلامی»، «محسن بلوطی»، «مهدی طهماسبی»، «کوروش اسماعیلی»، «علی امامی»، «عبدالرضا دستی»، «سهراب نعامی»، «حسین عساکره»، «فریبرز شیخ رباط» و «علی جوادپور».

بیمارستان

۳ آذر

کارکنان بیمارستان خمینی کرج بار دیگر با برگزاری تجمع اعتراضی در خیابان اصلی روبروی بیمارستان، خواستار رسیدگی مسئولان به یک سال معوقه دستمزدشان و وضعیت نابسامان بیمارستان شدند.

۷ آذر

کارکنان بیمارستان خمینی در کرج در اعتراض به وضعیت بلا تکلیف بیمارستان و عدم پرداخت یک سال مطالبات مزدی خود در خیابان اصلی مقابل بیمارستان تجمع کردند.

۸ آذر

کارکنان بیمارستان خمینی کرج در اعتراض به وضعیت بلا تکلیف بیمارستان و عدم پرداخت یک سال مطالبات مزدی خود در خیابان اصلی مقابل بیمارستان تجمع کردند.

۱۴ آذر

کارگران و کارکنان بیمارستان امام خمینی کرج در اعتراض به حدود یکسال حقوق معوقه خود، اقدام به برگزاری تجمع کردند.

شهرداری

۸ آذر

کارگران شهرداری شوشتر، که بعد از گذشت هفت ماه حقوق معوقه خود را دریافت نکردند، در مقابل فرمانداری شهر تجمع کردند و خواستار پایان دادن به وعده‌ها و بهبود اوضاع خود شدند.

۹ آذر

چهارمین روز از اعتصاب کارگران خدماتی شهرداری بیجار به دلیل معوقات مزدی چند ماهه. این کارگران از روز سه شنبه ۶ آذر، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

۱۱ آذر

کارگران شهرداری اندیمشک و بندر خمینی در استان خوزستان یکشنبه ۱۱ آذر برای دومین روز پیاپی مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند. در اندیمشک کارگران شهرداری بیش از ۱۳ ماه دستمزد ماهیانه عقب‌افتاده دارند. و در بندر خمینی هم کارگران خدمات شهری شهرداری در اعتراض به پرداخت نشدن سه ماه دستمزد دست از کار کشیدند و مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند.

۱۲ آذر

جمعی از کارگران شهرداری آبادان از صبح امروز مقابل ساختمان شهرداری مرکزی تجمع کرده‌اند. کارگران به دیرکرد شهرداری در پرداخت حقوق و دستمزدشان اعتراض دارند. کارگران دست کم ۳ ماه است که حقوق و دستمزد دریافت نکرده‌اند.

۱۷ آذر

کارگران شهرداری آبادان دست از کار کشیده‌اند

۱۸ آذر

کارگران شهرداری آبادان در اعتراض به معوقات مزدی زباله‌های شهری را جمع نکردند.

معلمان

۳ آذر

روز شنبه ۳ آذرماه ۹۷، «حامد نرگسی»، عضو کانون صنفی معلمان دیواندره استان کردستان توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه اطلاعات سپاه سنج منتقل شده است.

مقابل استناداری تجمع اعتراضی برگزار کردند

شرکت واحد

۲۰ آذر ماه

«رضا شهابی» و «حسن سعیدی»، از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به همراه چند تن دیگر به نام های «امیرعباس آرم وند»، «رهام یگانه» و «کیوان مهتدی»، توسط نیروهای امنیتی دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

خانواده های «رضا شهابی» و «حسن سعیدی»، از اعضای سندیکای شرکت واحد تهران و حومه و همچنین خانواده فعالین و مدافعان حقوق کارگر، «امیر عباس آرم وند»، «رهام یگانه» و «کیوان مهتدی»، که در عصر دوشنبه ۱۹ آذر ماه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اند، در مقابل زندان اوین برای پیگیری وضعیت بازداشت شده اند، دست به تجمع زدند و موجب آزادی آنان گشتند.

۲۸ آذر

راننده های اتوبوس های خط واحد در زنجان در اعتراض به کمبود قطعه و لوازم یدکی و وضعیت معیشتی دست به اعتصاب زدند و اتوبوس های خود را در اتوبان ۲۲ بهمن پارک کردند.

بازنشستگان

تجمع بازنشستگان در اعتراض به وضع حقوقشان مقابل مجلس. تجمع بازنشستگان در اعتراض به وضع حقوقشان مقابل سازمان برنامه و بوجه در شهر مشهد.

۲۸ آذر

بازنشستگان در شهرستان ابهر در اعتراض به پاسخ ندادن به مطالبات شان دست به تجمع اعتراضی زدند.

یورش نیروهای امنیتی و انتظامی به کارگران، معلمان، دانشجویان و دیگر زحمتکشان نشانه ضعف و درماندگی جمهوری سرمایه داری اسلامی است و آزادسازی تعدادی از دستگیرشدگان نشانه قدرت کارگران و تشکلات رزمنده آنان است.

مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران، مبارزه علیه سیاست های نتولیبرالی سرمایه داری است، خصوصی سازی، سیاست دیکته شده بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به جمهوری سرمایه داری اسلامی علیه کارگران و زحمتکشان است. در مقابل این سیاست ضد کارگری بایستیم و به تقویت جبهه کارگران و زحمتکشان، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و دانشجویان میهن کمر همت بندیم.

با احتساب «حامد نرگسی» دست کم ۱۴ تن در جریان تحصن سراسری معلمان بازداشت شده و از این تعداد هشت تن کماکان در بازداشت مانده اند.

«علی کروشات»، «پیروز نامی»، «محمد رضا رمضان زاده»، «علی فروتن»، «حسین رمضان پور»، «محمد علی زحمتکش» و «امید شاه محمدی» دیگر معلمانی هستند که کماکان در بازداشت مانده و از سرنوشت آنان اطلاعی در دست نیست.

۲۷ آذر

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران پیرامون وضعیت معلمان بازداشتی بیانییه ای صادر و برای آزادی معلمان بازداشت شده ضرب الاجل تعیین کرد و خواسته های خود را به این شرح اعلام داشت:

۱. آزادی فوری و صدور حکم قرار منع تعقیب برای معلمان بازداشت شده آقایان: «محمد رضا رمضانزاده»، «حسین رمضان پور»، «علی فروتن»، «امید شاه محمدی»، «پیروز نامی»، «علی کروشات» و «محمد علی زحمتکش» و بسته شدن پرونده قضایی فعالان صنفی که پرونده مفتوح دارند.

۲. تنظیم بودجه ی کافی برای آموزش و پرورش بدون خالی کردن جیب خانواده ها به نام کمک های داوطلبانه ی مردمی در بودجه ی ۱۳۹۸، همچنین تأمین سرانه مدارس بخش دولتی به منظور کیفیت بخشی به آموزش.

۳. افزایش حقوق فرهنگیان بازنشسته و شاغل به بالای خط فقر با توجه به نرخ واقعی تورم افسار گسیخته.

۴. لغو طرح ناکارآمد «معلم تمام وقت».

در صورتی که دولت و مجلس تا یک هفته ی دیگر از تاریخ انتشار این بیانییه؛ هیچ گامی برای رفع مشکلات برندارند و همکاران ما همچنان در زندان بمانند، شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، چاره ای ندارد تا از خانواده دانش آموزان کمک بخواهد و فراخوان اعتراضی گسترده بدهد. چرا که مطالبات امروز فرهنگیان و شورای هماهنگی، مطالبات اکثریت جامعه ایران است.

۲۲ آذر ماه

تجمع اعتراضی جمعی از معلمان معترض در برابر اداره کل همدان. حمایت دانش آموزان از تجمع اعتراضی جمعی از معلمان معترض در برابر اداره کل همدان.

بیانییه کانون صنفی فرهنگیان گیلان در دفاع از حقوق بازنشستگان و پشتیبانی از تجمع اعتراضی ۲۸ آذر در مقابل استناداری گیلان

۲۹ آذر

تجمع اعتراضی معلمان در اصفهان.

معلمان در یزد در پارک فناوری این شهر در اعتراض به بی پاسخ ماندن مطالبات شان دست به تجمع اعتراضی زدند.

معلمان گیلان در اعتراض به پاسخ نگرفتن در مورد مطالبات شان در

امپریالیسم آمریکا، تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسان ها و دشمن شماره یک بشریت است



اطلاعیه حزب کار ایران (توفان)

عملیات تروریستی چابهار، عملی جنایتکارانه و خدمت به ارتجاع و امپریالیسم است

روز پنجشنبه، ۱۵ آذر (۶ دسامبر) بمبی در نزدیکی یک مقر نیروی انتظامی چابهار منفجر شده و چند کشته و زخمی برجای گذاشته است. در گزارش‌های بعدی، اسامی یک ستوان دوم و یک سرباز وظیفه نیروی انتظامی به عنوان کشته‌شدگان این حمله منتشر شد. راننده این خودرو نیز در اثر انفجار کشته شده است. شبکه خبر رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی در گزارش‌های اولیه خود اظهارات رحمدل بامری، سرپرست فرمانداری چابهار را پخش کرد، که اظهار داشت این انفجار یک «حمله انتحاری» بوده که در ساعت ۹ و ۵۵ دقیقه صبح پنجشنبه به وقوع پیوسته است. به گفته او، عامل این حمله انتحاری، مواد منفجره را در یک وانت نیسان جاسازی کرده بود و «قصد ورود به مقر فرماندهی انتظامی شهرستان چابهار را داشت که با مقابله نیروهای انتظامی موفق به ورود نشد و در ورودی مقر مواد را منفجر کرد.»

وی از زخمی شدن چند نفر خبر داد و گفت که تعدادی زن و کودک هم در میان زخمی‌ها هستند. منابع خبری دیگر نیز شنیده شدن صدای انفجار شدید در یکی از خیابان‌های چابهار را گزارش کرد و گفتند که نیروهای امنیتی و امدادی به محل اعزام شدند.

روشن است سازمان‌دهندگان حمله تروریستی و جنایتکارانه چابهار نمی‌توانند هدف و انگیزه‌ای جز ایجاد آشوب و جنگ داخلی و تجزیه و کشتار و سلاخی مردم ایران داشته باشند. چنین عملیات مخوفی، تأثیر مخربی بر اعتراضات و اعتصابات کارگری و جنبش مدنی ایران، که در حال رشد و قدرافراشتن هستند، خواهد گذاشت و نمی‌تواند مورد تأیید هیچ فرد انقلابی و جریان مترقی و میهن‌دوستی قرار گیرد. این عمل تروریستی و ضدانسانی را باید به شدت محکوم کرد و در مقابل آن ایستاد.

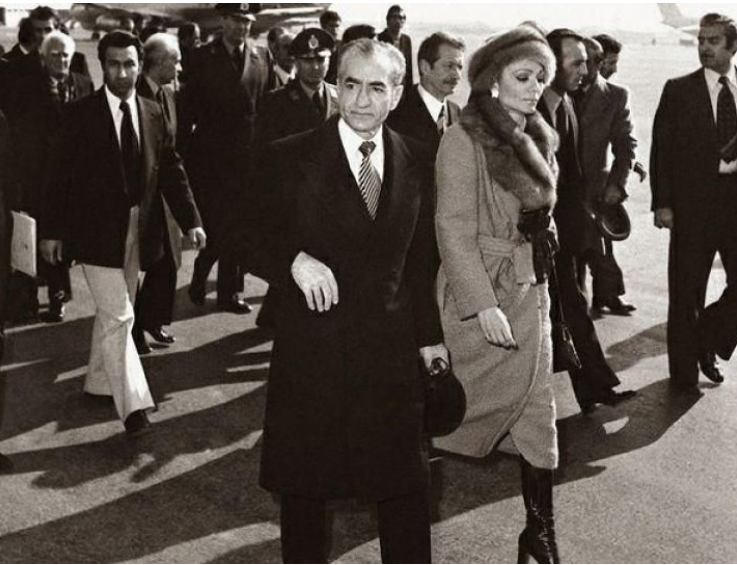
حکم ۱۰ سال و نیم زندان محمد حبیبی، عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان، در دادگاه تجدید نظر تأیید شد

حسین تاج، وکیل دادگستری، در توییتی اعلام کرد که دادگاه تجدیدنظر استان تهران حکم محکومیت محمد حبیبی را عیناً تأیید کرد. محمد حبیبی، فعال صنفی معلمان و عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان استان تهران پیش‌تر توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ۱۰ سال و نیم حبس و شلاق محکوم شده است. دادگاه تجدیدنظر وی در تاریخ دوم آبان ماه برگزار شده بود. این معلم مبارز و شریف در تجمع امسال روز معلم توسط اوباشان جمهوری اسلامی بازداشت شد.

در مردادماه سال جاری پرونده او برای رسیدگی در اختیار شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران قرار گرفت و دادگاه او را به اتهام «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت ملی» به ۷ سال و نیم حبس و به اتهام تبلیغ علیه نظام به ۱۸ ماه حبس و به اتهام اخلاف در نظم عمومی به ۱۸ ماه حبس و همچنین ۷۴ ضربه شلاق و ۲ سال ممنوعیت از فعالیت در احزاب، گروه‌ها و دسته‌های سیاسی و اجتماعی و ممنوعیت خروج از کشور به عنوان مجازات تکمیلی محکوم کرد.»

حزب کار ایران (توفان) این حکم سرکوب‌گرانه و فرهنگ‌ستیزانه را قویاً محکوم می‌کند و از همه انسان‌های آزاده و تشکلات مترقی و میهن‌دوست می‌خواهد که بانگ اعتراض برآرند و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط این آموزگار شریف و آزادی‌خواه شوند. دست رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی از کارگران و زحمتکشان ایران کوتاه باد! آزادی فوری و بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی!

حزب کار ایران (توفان)
دوشنبه ۳ ماه ۱۳۹۷



پاسخ رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت ارتجاعی اش، در مقابل توطئه خارجی و عملیات تبه‌کارانه و بی‌ثبات‌سازی ایران، سیاست سنجیده و متکی به مردم نیست، او بازهم رذیلانه خواهد کوشید با بهره‌برداری از این اوضاع و تشدید سرکوب مردم و افزایش فشار بر فعالین کارگری و مدنی و تجمعات اعتراضی، پایه‌های فاسد و ماشین سرکوب حکومت را محکم کند. چنین سیاست ضد مردمی نمی‌تواند تأمین‌کننده امنیت و ثبات و آرامش و مدنیت داخلی باشد.

آزادی و آسایش مردم و صفوف متحد و یکپارچه آن ضامن پیروزی بر تروریسم و مزدوران رنگارنگ امپریالیسم است. با توسل به سرکوب و زندان و به‌گیر و به‌بند داخلی و پایمال کردن ابتدایی‌ترین حقوق کارگران و زحمتکشان و عموم توده مردم نمی‌توان به جنگ اجانب و دشمنان مردم ایران رفت.

حزب کار ایران (توفان) ضمن ابراز تسلیت به بازماندگان این حملات تروریستی، این اقدام کثیف و ضدبشری را قویاً محکوم می‌کند و مردم ایران را به اتحاد و ایستادگی و هوشیاری در مقابل خطراتی که ایران را تهدید می‌کند، فرا می‌خواند.

حزب کار ایران (توفان) جمعه ۱۶ آذرماه ۱۳۹۷ •

میزان ثروت شاه، میزان غارت

شاه

به بهانه سالگرد فرار شاه

محمدرضا شاه با شنیدن غرش میلیون‌ها مردم زحمتکش ایران و صدای پای انقلاب روز ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ با چشمانی گریان و چند «چمدان کوچک» پا به فرار گذاشت. با توجه به جنجال‌های تبلیغاتی و سوء استفاده‌های سیاسی بقایای خاندان پهلوی از وضعیت نابسامان اوضاع کنونی ایران ضروری است کمی به عقب برگردیم و به بهانه این روز تاریخی ماهیت فاسد نظام شاهنشاهی، دزدی و کلاهبرداری و غارت‌گری رژیم سرنگون شده و سرسپرده پهلوی را برای نسل جوان روشن کنیم، تا بتوان چهره واقعی مدعیان اپوزیسیون وابسته را که خود را بدیل «دمکراتیک و ملی و مردمی» جلوه می‌دهند، بر ملا سازیم. این امر کاملاً روشن است که در گذشته نباید زیست، اما این یک خطای فاحش است، اگر ندانیم علل شکست‌ها، ناکامی‌ها و محرومیت‌ها و عقب‌ماندگی‌های جامعه چه بوده است. نباید در گذشته زیست، درست است، اما باید به گذشته نگریست، زیرا گذشته چراغ راهنمای آینده است. درس‌آموزی از تاریخ و شکست‌هایمان مادر پیروزی فردایمان خواهد بود. به قول شکسپیر در نمایشنامه توفان What's Past Is Prologue گذشته پیش درآمد اکنون است.

رضا «ربع پهلوی» در چند مصاحبه پیرامون ثروت پدرش و آنچه او برای خانواده‌اش به ارث گذاشته است، ریاکارانه با اما و اگر و لُکنت زبان از ۶۲ میلیون دلار سخن گفته است، لیکن چنین رقمی نتوانست کسی را قانع کند. در نوشته زیر، که حکم بخشی از اسناد غیر قابل انکار در مورد ثروت و غارت اموال ملت را دارد، از نظر خوانندگان کنجکاو و تیزبین می‌گذرد: اردشیر زاهدی درباره میزان ثروتی که شاه موفق به انتقال آن‌ها به خارج از کشور شد، چنین نوشته است:

«دادستان تهران در زمان شریف امامی، فهرست دقیقی از افرادی که پول‌هایی را به شکل ارز خارج کرده بودند، استخراج کرد. در میان این فهرست، شخص اعلیحضرت تا آن زمان ۳۱ میلیارد دلار از کشور خارج



از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید



کرده بود».

بنا به نوشته هفته‌نامه آلمانی «فوکوس» در آن زمان، شاه برای خرید ۶ فروند زیردریایی از یک شرکت آلمانی، ۱۰۹ میلیون مارک رشوه دریافت و به حساب شخصی خود در سوئیس واریز می‌کند.

روزنامه‌ی اتریشی «کورییر» بعد از مرگ شاه نوشت:

در نتیجه سودجویی و چپاول‌گری سرمایه‌ی مردمی، شاه برای خانواده‌اش بیش از ۴۴ میلیارد دلار ارث به‌جای می‌گذارد. روزنامه‌ی «فایننشال تایمز» در گزارشی در سال ۲۰۱۱ میلادی نوشت:

ثروت شاه شبکه پیچیده‌ای از شرکت‌ها، بنیادها، حساب‌های بانکی، زمینی در کوستادل اسپانیا، ویلایی گران‌قیمت در سنت موریس سوئیس، که چند فقره آنها را سیلویو برلوسکونی بعدها خرید و املاکی در نقاط مختلف دنیا است. اسناد و مدارک موجود در ایران نیز نشان می‌دهند که بخشی از املاک محمدرضا پهلوی در ایران، شامل ۲۲۰ هکتار زمین، قبل از خروج او از کشور، در سال ۵۷ به فروش رفته و به صورت ارز از کشور خارج شده است. فرح پهلوی و فرزندان خندان و خوشحال او در حالی اعلام می‌کنند اموال شاه تنها ۶۲ میلیون دلار بوده:

رقم رؤیایی چند ۱۰۰ میلیارد دلار، طبق برآوردهای برخی نویسندگان و روزنامه‌نگاران، متغیر غربی است. که هنوز هم مشخص نیست چه میزان از ثروت ملت ایران توسط خاندان پهلوی به یغما رفته است.

عباس میلانی این وضعیت را این‌گونه روایت می‌کند:

«از صبح ۱۶ ژانویه (۲۶ دی) ضرب زندگی در دربار تندتر شده بود. همه چیز انگار در حال تعلیق بود. میل‌ها را پوشانده و بسیاری از نقاشی‌ها را از دیوار پایین آورده بودند. اینجا و آنجا جعبه‌هایی دیده می‌شد. سفر شاه و ملکه قریب‌الوقوع به نظر می‌رسید. دو روز قبل از سفر، در ۱۴ ژانویه (۲۴ دی) چهارده بسته بزرگ، پر از متعلقات شاه و خاندان سلطنتی، به فرودگاه برده شده بود. اندازه این ۱۴ بسته در حدی بود که عملاً یکی از دو هواپیمای را که قرار بود شاه و همراهانش را به خارج ببرد، پر می‌کرد. چند روز قبل، هواپیمای اختصاصی کوچکی، الیاسی، یکی از خدمتکاران معتمد شاه را به ژنو برده بود. الیاسی اوراق بهادر و دیگر اسناد ارزشمند شاه را به‌همراه خود به سوئیس برد. چند و چون این پرواز یک‌سره محرمانه نگه داشته شد. محتویات آنچه الیاسی به سوئیس برد، نیز روشن نیست.»

رئیس کل تشریفات دربار، آغاز عملیات خروج شاه و همراهان را در ۲۴ دی‌ماه ۵۷ اعلام کرد. او دستور داد برچسب‌های شناسایی چمدان‌ها، بسته‌ها و صندوق‌های شاه، که منقش به آرم دربار و سلطنتی بود، به درون کاخ نیاوران آورده شود، تا تشریفات لازم و آخرین شناسایی درباره‌ی آنها صورت بگیرد. برچسب‌های اختصاصی دربار اینک آماده شده بود تا به چمدان‌ها و صندوق‌ها الصاق گردد.

یک تیم از افراد مورد تأیید فرح در دربار، جمع‌آوری و بسته‌بندی همه‌گونه عتیقه، جواهرات و الماس‌های گران‌بها، ساعت‌های تمام‌طلا، تاج و نیم‌تاج‌های تمام زمرد را برعهده داشتند و این کالاهای ارزشمند نیز در ۳۸۴ بسته و چمدان کوچک جای گرفت.

این گنجینه از جواهرات و عتیقه‌جات در مکان‌های امن کاخ نیاوران نگهداری می‌شد. فرح بر همه‌ی بسته‌بندی‌ها نظارت کامل داشت. بسته‌بندی و جمع‌آوری دلارهای آمریکایی، که از ماه‌ها قبل نقداً جمع شده بودند، توسط بخش مالی دربار انجام شد. تاج شاهنشاهی با ۳۳۸۰ قطعه الماس و ۵۰ قطعه زمرد، ۳۶۸ حبه مروارید و با وزن ۲ کیلو و ۸۰ گرم و از نظر قیمت غیرقابل تخمین و تاج ملکه با ۱۶۴۶ قطعه الماس و تعداد

معتنابهی از جواهرات دیگر و طلا به ارزش ده‌ها میلیون دلار، بخش اندکی از جواهرات بود.

آماری که بانک مرکزی و دادستان تهران در زمان شریف امامی منتشر کرد، نشان می‌دهند در سال ۱۳۵۷ تنها مقامات دولتی ۱۳ میلیارد دلار ارز طی ۲ ماه خارج کردند و شاه و اطرافیانش مسلماً مبالغه‌ی خیلی بیش از این به تاراج برده‌اند.

اینها فقط گوشه کوچکی از حقایق غیر قابل انکار غارت اموال مردم ایران است که توسط شاه از کشور خارج شده و امروز در اختیار خانواده او قرار دارد. رضا نیم پهلوی این مدعی تاج و تخت بارها در مورد بیان این حقایق طفره رفته و با پول ملت به ولگردی و زندگی انگلی مشغول است و در عین حال مدعی احیای نظام «دمکراتیک» و بهشت برین دوران پدر و پدربزرگش است. رضا پهلوی از ایرانی سخن می‌گوید که برای اقلیتی مفت‌خور و زورگو و سرسپرده اجنبی بهشت است و برای اکثریت اهالی جامعه جهنم. امروز بیش از هر زمان لازم و ضروری است که صف دوستان و دشمنان مردم را روشن کنیم. زیرا یکی از دلایل شکست انقلاب بهمین ۵۷ را باید در بی‌برنامگی، تسلیم‌گشتن به شعارهای کلی بجای اتکا به شعور و قوه تشخیص انسانی، در مخدوش کردن حد و مرزها و بی‌دورنمائی جستجو کرد. برای مغزهای متعارف این استدلال قابل فهمی است که «اول بگذار خدمت آخوندها برسیم، بعداً بر سر مسائل دیگر چک و چانه می‌زنیم». و یا اکنون «امر حمایت از جنبش مردم مطرح است باید اختلافات را به کنار گذاشت».

در پایان و با توجه به آنچه در فوق بر شمردیم، چه بی‌شمارانه است وقتی رضا پهلوی با این پیشینه سیاسی و این همه دزدی و بالاکشیدن میلیاردها دلار پول ملت، در جلسه سخنرانی اخیر در یکی از اندیشکده‌های امپریالیستی آمریکا، پیشنهاد می‌دهد تا نئونکان‌های آمریکایی و امپریالیست‌های اروپایی اموال ایران در خارج از کشور را ضبط کرده و آن‌ها را در اختیار «مخالفان دموکرات حکومت ایران» قرار دهند. او در ادامه خواستار آن شد که اموال نزدیکان و آقازاده‌های جمهوری اسلامی را که به ممالک غربی رفت و آمد می‌کنند، توقیف کنند و در اختیار وی قرار دهند! رضا پهلوی که نه دمکرات است و نه ملی و از سرسپردگی به اجانب فضیلتی ساخته و صهیونیست‌ها و وهابیت‌های ضدایرانی را دوست ملت ایران می‌داند، از اربابان‌اش می‌خواهد که با مداخله «بشردوستانه» و تقویت «نیروهای دمکرات»، رژیم را به زیر کشند و وی را بر مسند قدرت به‌نشانند!!

رضا پهلوی، که نه تنها میلیاردها دلار به ارث برده است، بلکه سپردگی تاریخی پدر و پدربزرگش به بیگانگان را نیز به ارث برده و به آن مفتخر است. دوره شعارهای «همه باهم» گذشت، شعارهای عمومی و همه با هم به تاریخ پیوسته است و دردی را دوا نمی‌کند. باید با افشای دشمنان رنگارنگ مردم ایران و روشن کردن سره از ناسره راه مبارزه را برای پیروزی و سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران و استقرار آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی هموار کرد. جز این راه دیگری متصور نیست. ●

مختصری از سخنان دکتر ناصر زرافشان، پیرامون وضعیت کارگران و زحمتکشان ایران و چشم انداز اعتصابات اخیر

گفتگو با رادیو همبستگی در استکهلم، مورخ ۲۰ نوامبر ۲۰۱۸
چکیده‌ای از دیدگاه دکتر ناصر زرافشان درباره خیزش اخیر
مردم ایران.

در جهانی بصری‌بریم که شیخ فاشیسم بر فراز اروپای متحد و آمریکای شمالی در گشت و گذار است و امپریالیسم غرب به سرکردگی آمریکا با اعمال سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی و جنگ افروزانانه از قامت بشریت خون جاری ساخته و سرزمین‌های بی‌شماری را ویران و در آتش جنگ و خونریزی و تاراندن میلیون‌ها انسان از خانه و کاشانه‌شان فرو برده است. در کشور ما ایران نیز به تبع و تأسی از این سیاست خانمان‌سوز اقتصادی نئولیبرالی و پلیدی‌های رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، ضرب و شتم مبارزین و آزادیخواهان و دگراندیشان، دستگیری و زندانی فعالین کارگری و مدنی، اعدام، غارت ثروت‌های مردم، حقوق‌های نجومی و مافوق تصور، فحش‌های رسمی دولتی و غیررسمی، اعتیاد و فساد، رشوه‌خواری و زمین‌خواری، افزایش بیکاری، کودکان کار، گرانی و احتکار، آلودگی هوا و محیط‌زیست، کمبود خدمات درمانی و داروئی، کمبود خدمات آموزشی، فشار بر زحمت‌کشان و بویژه کارگران شریف در عدم پرداخت دستمزدهای متعارف و معمولی دنیای سرمایه‌داری و حتی عدم پرداخت این حقوق بخور و نمیر به تولیدگران جامعه و ده‌ها و صدها ناهنجاری‌های اجتماعی سیاسی غرق گشته و روز به روز بدتر و شدیدتر می‌گردد و حلقوم زحمتکشان را می‌فشارد. اوضاع بحرانی و ملتهب منطقه، تجاوز امپریالیسم غرب به سرکردگی آمریکا به عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن و نقض تمامیت ارضی و پایمال کردن حق حاکمیت ملی کشورها خطراتی است که اکنون موجودیت ایران و هر کشوری که سلطه بلامنازع و زورگونی‌های تفنگ‌داران ناتویی را برنتابد، تهدید میکند. مصاحبه زیر با رادیو همبستگی در مورد جنبش اعتراضی اخیر کارگران و چشم انداز این مبارزات صورت گرفته و دکتر زرافشان موشکافانه و مسئولانه به پرسش‌ها پاسخ می‌گوید. دکتر ناصر زرافشان، نویسنده، مترجم، حقوق‌دان، وکیل دادگستری، فعال حقوق بشر و عضو کانون نویسندگان ایران در این گفتگو موشکافانه و مسئولانه به مسائلی در مورد ایران و منطقه می‌پردازد که بسیار حائز اهمیت است. در زیر چکیده این سخنان از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

پرسش: این جنبش و این خیزش را شما چگونه ارزیابی می‌کنید؟



افتاد، و نه خود بدین معنای است، در همین کیفیت و در همین سطح چیزی تغییر خواهد کرد!

پرسش: جناب زرافشان! برخی ابراز می‌دارند این اعتراضات سرآغاز یک دوره جدید است، نظر شما چیست و چه مشخصاتی دارد؟

پاسخ: حتماً این طور است. کسانی که این بار به میدان آمده‌اند، انگیزه‌شان شعارهای روشنفکرانه حقوق بشر و این قبیل نبوده! ماهیت‌اش بطور کلی با خیزش‌های قبلی متفاوت است، و ترکیب اجتماعی‌شان هم این طور نبود!

کسانی که این بار به میدان آمده‌اند، انگیزه‌شان شعارهای روشنفکرانه و یا تعهدات روشنفکرانه نبود!

حوادث دهه دوم دی ماه، هسته اصلی‌اش مسئله معاش و معیشت بود! آنچه در دهه گذشته اتفاق افتاد از این جنس نبود. مردمی که در این دهه به میدان آمده‌اند، از محروم‌ترین و از غارت‌شده‌ترین لایه‌های اجتماعی جامعه بودند. و دغدغه اصلی‌شان، دغدغه معیشت و معاش بود! بنابر این هم ترکیب طبقاتی اجتماعی‌اش چیزی سواي گذشته بود، و هم شرکت کنندگان‌اش از لحاظ طبقاتی کسانی دیگر بودند!

می‌توان از محتوای (فتوای) شعارهایی که اتفاقاً خیلی معمولی و عامیانه مردم در خیابان سرهم می‌کردند، متوجه شد. که صحبت‌های قبلی نیست، بحث دیگری است.

بدین اعتبار بله، این داستان، داستان دیگری است! این داستان، داستان معیشت و معاش مردم است. مردمی که دیگه کارد به استخوان‌شان رسیده است. مردمی است که دیگر واقعاً به شکل سابق توانایی این که در سکوت تحمل کنند و غارت شوند، ندارند!

پرسش: برخی معتقد هستند که جنبش ظرفیت بیشتری داشته، به لحاظ شرکت شمار بیشتری از همین مردمی که مسئله معاش دارند. آیا ظرفیت بوده که شمار بیشتری بدان به‌پیوندند؟

پاسخ: این هنوز یک جنبش نیست، اگر در معنای دقیق جنبش اجتماعی مورد نظر شماست، هنوز در واقع ویژگی آنرا پیدا نکرده است که عنوان جنبش اجتماعی را بدان اتلاق کرد.

کاستی بزرگ، نبود تشکیلات، نبود عدم برنامه مشخص، نبود چشم‌انداز روشن، نبود رهبری و.... شما می‌دانید هیچ ارتشی بدون ستاد، قادر به جنگ نیست! هر ارتشی بخواهد بطور واقعی وارد عملیات جدی جنگ شود، احتیاج به مرکزی دارد که از دشمن اطلاعاتی داشته باشد و....

جنبش اجتماعی هم همین است. جنبش بدون رهبری، بدون سازمان، بدون تشکیلات، بدون اینکه بدانند فرد چه می‌خواهد بکند، این‌ها کاستی‌هایی است اگر یک جنبشی قراره به نتیجه‌ای برسد و حقوق لگدمال شده‌اش احقاق گردد، ناگزیر خواهد شد این‌ها را هم به‌سازد و بوجود آورد! و تا نیاورد، جنبش نیست!

ولی در دهه گذشته یک چیزی در این حد بود! اما اگر بچه انسان که در ژن‌اش سرپا ایستادن و راه رفتن است، قرار است در آینده راه رفتن را یاد بگیرد، باید بایستد و یاد بگیرد، اگر صدمبار هم بزمین بخورد،

پاسخ: شما سال‌های سال است که در جریان هستید که مثلاً بر سر صنایع ایران چه آمده است - وضع طبقه کارگر چه شده است. خبر کارگرانی که سه ماهه حقوق‌شان را دریافت نکرده‌اند، آنها شش ماه بلا تکلیف‌اند، آنها یک سال در مسیر خصوصی‌سازی‌اند، کارخانه‌ها را تعطیل کرده‌اند، برخورد با کارگران اخراجی، شلاق‌زدن‌ها یادتان هست، کارگر گرسنه‌ای را در آبدرد آذربایجان.....غیره و

داستان معلمین یادتان هست، داستان اخیر بالا کشیدن سپرده‌های مردمی که چندرغازی داشتند، این طرف و آنطرف توی این موسسات مالی که مثل قارچ بعد از باران سربلند کرده بود، بالا کشیدند، بالائی‌ها، با حساب و کتاب!

داستان گورخواب‌ها که از بی‌مسکنی به گورهای متروکه پناه بردند و چند صبحی بعد کم کم فراموش شد!

بحث بی‌آبی و انهدام روستائی‌های متعددی را.

من اصفهانی هستم! توی حوادث اخیر، توی رویدادهای اخیر، بحث روستاهائی که هیچکس اسم‌شان را نه شنیده بود، چگونه آنان را از هستی ساقط کردند! می‌دانم خشک‌شدن زاینده رود چه بلایی بر سر مردم آورد!

آن وضع کشاورزی، آن وضع مسکن، آن وضع گورخوابی و غیره.... این واقعیت عینی است که در مقابل ما قرار دارد!

منشأ و مایه اصلی رویدادهائی که در دهه دوم دی ماه اخیر اتفاق افتاد، منشأ اخیر این حوادث و رخدادها، مردم‌اند!

مردمی که طی دهه‌های اخیر از گرده‌شان بهره کشیده‌اند، مردمی که به جان آمده‌اند! هر سخن دیگر بی‌اساس است. فرار از واقعیت است، عوام‌فریبی است، دروغ گفتن است. بدیهی است که هر جائی که زمینه وجود داشته باشد، اگر اوضاع و احوال این گونه باشد، کسانی دیگری هم هستند (نیروهای داخلی و خارجی) که قصد دارند از آن بهره‌برداری کنند! اما اگر صد سال مرغ روی تخم مرغ بخوابد (تخم مرغی) که در آن نطفه نه‌باشد، از آن جوجه بیرون نمی‌آید! اگر نطفه در درون تخم مرغ باشد (حتی با یک لامپ الکترونیکی جوجه بیرون می‌آید) حتی بدون مرغ هم جوجه در می‌آوردند! اساس قضیه درون جامعه است، در درون پدیده است!

بهره‌کشی در یک حدی است! مردم به نقطه‌ای رسیده‌اند که دو دهه و سه دهه در سکوت و تمکین اجازه می‌دادند ازشان بهره بکشند، به نقطه‌ای رسیده‌اند که دیگر تحمل نمی‌کنند! این اصل ماجراست! دو برخورد سطحی و عامیانه است که با حوادث این دهه اخیر وجود داشته است. به نظرم هر دو خطاست!

یک برخورد کسانی است که فکر کردند وقتی دستگیر شدند و از توی خیابان معترضین را سرکوب کردند، گفتند دیگر مسئله تمام شد! یک برخورد باز سطحی و عامیانه دیگر این است که فکر کردند با این رویدادهای اخیر همه چیز دگرگون خواهد شد! فکر کرده بودند صبح دوشنبه خبری می‌شود. آنهم برخورد سطحی بود!

اما اگر آن حوادث به این کیفیتی که حالا فروکش کرد، معنایش این نیست که تمام شده و رفته!

بهر حال جامعه در وضعیتی است که می‌بینید! برای آدم‌های هوشیار این نه به معنای پایان اتفاقاتی است که در دهه دوم دی ماه اتفاق



صد سالگی انقلاب نوامبر در آلمان و همبستگی بین‌المللی توفان با آن

گزارش زیر توسط رفقای شرکت‌کننده توفان در نشست یادبود صدسالگی انقلاب نوامبر آلمان ارسال شده است.¹

بمناسبت صدمین سالگرد انقلاب نوامبر ۱۹۱۸ آلمان، که مصادف با پایان دوران پادشاهی ویلهلم و جنگ جهانی اول بود، سازمان‌ها و احزاب انقلابی در آلمان در شهرهای مختلف مراسم یادبودی برگزار کردند. از آنجمله «سازمان برای تأسیس مجدد حزب کمونیست آلمان».

(کار و آینده)، که برادر حزب کار ایران (توفان) است، جلسه‌ای را در شهر فرانکفورت آلمان در تاریخ ده نوامبر برگزار کرد. مراسم با مقدمه‌ای از طرف سخنگو درباره این ماه تاریخی در آلمان افتتاح شد. انتخاب سالن مذکور به نام «گالوس» از آن جهت اهمیت داشت، که محل اولین دادگاه نازی‌ها پس از جنگ جهانی دوم بود. در این مراسم نخست به یاد رفقا «روزا لوکزامبورگ» و «کارل لیبکنشت»، که به دست سوسیال‌دموکرات‌ها در برلین به قتل رسیدند، یک دقیقه سکوت داده شد.

حزب کار ایران (توفان) وظیفه انترناسیونالیستی خویش می‌داندست با شرکت در این نشست و تجلیل از اسپار تاکوس‌ها و بعداً حزب کمونیست آلمان به پیوند کمونیستی خویش با این رفقا استحکام بخشیده و روحیه همبستگی بین‌المللی را تقویت نماید.

اولین برنامه متعلق به حزب کار ایران (توفان) بود. رفیق نماینده حزب با اعلام همبستگی و پشتیبانی کمونیستی گروه موسیقی «امید» را معرفی نمود که به مدت ۴۵ دقیقه در میان تشویق و

بلند می‌شود و دوباره راه می‌رود، تا بالاخره راه رفتن را یادگیرد! به نظرم این اتفاق زمان می‌برد، یک هفته، یک ماه و ... نیست، این یک پروسه است. پروسه اجتماعی است و جنبش آنها این تفاوت بزرگ را دارد که آنها همه دعوی حکام بود، و شکاف بین جناح‌های مختلف حاکمیت برای سهم‌شان از قدرت بود! این بار دعوی مردم پائین‌ترین لایه‌های جامعه است!

پرسش: پیرامون موضع‌گیری اصلاح‌طلبان و شعارهایی که در ایران می‌دادند، چه نظری دارید؟

پاسخ: به نظرم تمام این داستان دعوی‌شان برسر قدرت، متعلق به گذشته است! و توصیه‌هایی هم که می‌کنند: به‌پرهیزید از خشونت، مدنی باشید، مدنی رفتار کنید، کسانی که اصلاً نمی‌دانند معنی این کلمات چیست! نمی‌فهمند که رفتارهای مدنی مال جامعه‌ای است که نهادهای مدنی داشته باشد! جامعه‌ای که نه حزبی در آن هست، نه امکان بوجود آمدن را دارد، نه سندی‌کایی امکان بوجود آمدن دارد، نه مطبوعاتی امکان بوجود آمدن را دارد. ... جامعه استبدادزده، اگر از خودشان به‌پرسید، نمی‌دانند معنی آن چیست؟! حرف‌های تکراری، یاهو، کپ‌زده و بی‌حاصل! این صحبت‌ها مال گذشته است.

پرسش: چشم‌انداز را شما چطوری می‌بینید؟

پاسخ: الان نمی‌شود در موردش صحبت کرد، بستگی به این دارد که جامعه چه ظرفیتی داشته باشد. برای اینکه شرایطی است که اگر خلأیی در قدرت ایران پیدا شود، اگر مردم خودشان را برای این خلأ آماده نکرده باشند، این خلأ را امپریالیسم پر خواهد کرد. که نیروی نظامی دارد، ذهن مردم را با یاهو‌هایش پر کرده، آدم‌ها و پادوهایش را دارد، پول دارد، تبلیغات کرده، شبکه‌هایش را دارد! او در وضعیتی است، اگر خود مردم نتوانند زمام زندگی را بدست گیرند، اون این خلأ را پر خواهد کرد! همین الان ما در ایران شاهد تغییر مواضع بین طبقات مختلف هستیم! اون وضع، یعنی پایان حالت انفعال توده‌های زحمتکش مردم! یک چرخشی را در مواضع سیاسی یک بخش‌هایی از بورژوازی و لایه‌های بالائی خرده بورژوازی بوجود آورده! این لایه‌ها، تا حال دستکم در حرف مخالف نظام فعلی بودند. چون موجودیت‌شان در خطر نبود. نارضایتی آنها فقط در این بود که نمی‌توانستند از پول و امکانات‌شان چون مثلاً در ترکیه لذت به‌برند، در ایران نمی‌توانستند استفاده کنند، نق نق می‌کنند. اما حال که در سطور پائین جامعه نارضایتی خود را جدی نشان می‌دهد، احساس می‌کنند که سرمایه‌شان در خطر افتاده است. و رفته رفته دارند به رژیم بیشتر نزدیک می‌شوند، یعنی بسیاری یک جوری ترسیده‌اند از فردا! و آنوقت به فکر این هستند برای حفظ این وضع چه می‌توانند بکنند. در حالی که این‌ها کسانی بودند که در ایران نق نق می‌کردند. برای اینکه نمی‌توانستند از پول‌شان چون ترکیه لذت به‌برند. گرفتاری در این حد است! ولی حالا که وضع جدی‌تر شده، توروان شناسی طبقات بالاتر، شما شاهد یک چنین تغییراتی هستید!

در هر صورت آینده بستگی به این دارد، مردم و نیروهای مردمی چقدر بتوانند، چطور بشناسند برای پرکردن خلأ سیاسی در ایران چه اقدامی بکنند! آنرا اکنون نمی‌توان پیش بینی کرد! ●

انقلابی علیه سرمایه‌داری، این مسب رنج‌ها و دشواری‌ها انقلابی خونین! هزاران کارگر و زحمتکش و سربازان بر خاک غلتیدند. از مهمترین شهدای این انقلاب خونین می‌توان رزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت را نام برد. قربانیان خیانت سوسیال دموکرات‌ها رهبران سوسیال دموکرات‌ها «نوسکه»، «شایدِه مَن»، «ایرت» با همدستی با امپراتوری ورشکسته، این انقلاب پر عظمت و تاریخی مردم را سرکوب کردند و بدین صورت حاکمیت مرتج ضد انقلابی- نظامی امپریالیستی برجای ماند. حاکمیت خشن نظامی تبهکار که از تیغ انقلاب جان سالم بدر برد، همان‌هایی بودند که از صفوف نازی‌های جنایتکار سردرآوردند و سپس خدمتگزار فاشیست‌ها شدند. کسانی که دو دهه بعد به ترور، قتل، جنگ و جنایت علیه بشریت در سراسر جهان پرداختند.

در سال ۱۹۶۳ ابتدا در ساختمان شهرداری و سپس در سال ۱۹۶۴ در همین سالن (سالن گالوس) اولین دادگاه بزرگ آشویتس علیه جنایات و نسل‌کشی برگزار و برای اولین بار ۲۴ سرسپرده نازی بخاطر جنایات‌شان در اردوگاه‌های کار اجباری و اردوگاه مرگ آشویتس محکوم شدند.

دیروز ۹ نوامبر، هشتادمین سالگرد نسل‌کشی نازی‌ها بود. روزی که نسل‌کشی آشکارا و علنی آنها علیه شهروندان یهودی آغاز و در اردوگاه‌های بیگاری ختم شد. فراموش نکنیم که تشکیل و تحقق دادگاه محاکمه آشویتس نیز حاصل مبارزه و مقاومت طولانی مردم علیه فاشیسم و سرکوب بود.

تراژدی انقلاب نوامبر در عدم پیروزی علیه میلیتاریسم آلمان (ارتش سالاری) بود، که از پس آن فاشیسم سر برون آورد. بیشترین مسئولیت این عدم پیروزی تا حد زیادی متوجه رهبران سوسیال دموکراسی آن زمان است. حال از شما اجازه می‌خواهم به احترام قربانیان نسل‌کشی یهودیان و قربانیان بی‌شمار جنگ و انقلاب نوامبر و همچنین به احترام کارل (لیبکنشت) و رزا (لوکزامبورگ) و کشتار و قتل عامی که هشتاد سال پیش علیه یهودیان انجام شد، از جا برخاسته و یک دقیقه سکوت کنیم.

دیروز ژورنالیست مترقی، پیشرو و ضد فاشیست، «جو باوئر»، در جلسه‌ای در شهر اشتوتگارت، که به مناسبت یادبود نسل‌کشی آشکارا و علنی نازی‌ها برگزار شد، بر ضرورت مجدد و مبرم مبارزه‌ای متحد علیه فاشیسم که جدا از مبارزه علیه امپریالیسم آلمان نیست، تأکید کرد. این همان شرط لازم و ضروری است که مارکسیست-لنینیست‌ها، احزاب کارگری و کمونیستی باید در استراتژی و تاکتیک مبارزات خود برای رسیدن به سوسیالیسم و کمونیسم در نظر گیرند. برای شما بعد از ظهری با بحث‌هایی پر بار و پرثمر آرزو دارم!

کف‌زدن‌های حضار، برنامه خود را اجرا کرد. سپس نوبت به حزب برادر ترکیه و سازمان جوانان آنها «دیدف» رسید که همچنین بعد از اعلام همبستگی و پشتیبانی از نشست، خواننده جوانی آهنگ‌های انقلابی را به‌زبانهای مختلف ارائه داد. در ادامه برنامه بعد از نیم ساعت استراحت نماینده تشکیلات (کار و آینده) مواضع حزب خود را درباره اوضاع جهانی (نظام سرمایه‌داری جنگ، تهاجم، خشکسالی، آوارگان و غیره) و در آلمان (آموزش، محیط زیست، وضعیت اقتصادی مردم) اعلام کرد که قابل توجه و تعمق بوده و توصیه به مطالعه آن برای ما ضروری است. سخنرانی این رفیق حدود یکساعت طول کشید. در میان برنامه‌ها؛ پیام‌های همبستگی از طرف احزاب برادرخوانده می‌شد. قابل توجه پیام حزب کمونیست فرانسه بود، که نماینده آن در آنجا شرکت داشت. در آخر رفیق خواننده «شوارتس» با سرودها و آهنگ‌های قدیمی و انقلابی به زبان آلمانی و اجرای سرود انترناسیونال به همراهی شرکت‌کنندگان، برنامه آروز به پایان رسید.

آنچه به چشم می‌خورد، شرکت وسیع رفقای جوانی بود که در شرایط کنونی که آهنگ یاس و ناامیدی در مورد انقلاب سوسیالیستی نواخته می‌شود، با شور و شوق خاصی در نشست حضور داشتند و همراهی می‌کردند. انقلاب نوامبر ۱۹۱۸ شکست خورد ولی مبارزه برای انقلابی سوسیالیستی ادامه دارد. حزب کار ایران (توفان) در زمینه تاریخ انقلابی نوامبر آلمان مقاله‌ای در شماره توفان ۲۲۶ منتشر کرد که مطالعه آنرا به همه توصیه می‌کنیم.

به مناسبت صدمین سالگرد انقلاب آلمان

سخنانی از نماینده سازمان برای احیای حزب کمونیست کارگران آلمان

حضار محترم، دوستان و رفقا!

با دروهای صمیمانه قلبی و خوش‌آمدگویی خدمت شما، از طرف کار-آینده، سازمان برای استقرار و احیای حزب کمونیست کارگران آلمان، مایلم دروهای رفیقانه و قلبی خودم را خدمت نمایندگان احزاب برادر: حزب مارکسیست لنینیستی EMEP ترکیه، حزب کمونیست کارگران فرانسه PCOF و به ویژه حزب کار ایران (توفان) و گروه موزیک حزب کار، گروه امید، که برنامه امروز خود را به مناسبت دویستمین سالروز تولد کارل مارکس برای شرکت در این جلسه به روزی دیگر موکول کردند، ابلاغ دارم. از این همبستگی و حمایت شما صمیمانه سپاسگزاریم.

دویست سال پیش کارل مارکس متولد شد. همانگونه که او پیش‌بینی کرده بود، صد سال قبل دقیقاً در چنین روزی انقلاب در آلمان به وقوع پیوست. اکنون گرد هم آمده‌ایم، تا یادبود این رخداد بزرگ تاریخی را گرامی داریم. انقلاب پر عظمت و با شکوه توده‌ها در نوامبر نقطه عطفی در تاریخ آلمان است که به آن کم بها داده می‌شود. انقلابی که میلیون‌ها کارگر زن و مرد و سربازان خشمگین از جنگ و کشتار، پرولتاریای خسته از نابسامانی و بدبختی، خسته از دیکتاتوری سرکوبگر نظامی و تحریکات ناسیونالیستی را حول یک محور جمع کرده بود.

یمن را در پیش گرفته بود. باید تأکید کرد که جنبش استقلال طلبانه حوثی‌ها از حمایت عظیم مردمی برخوردار است و دلیل برآمد این جنبش ملی، مبارزه علیه فقر و فساد و دیکتاتوری و سیاست‌های نئولیبرالی و کسب استقلال ملی بوده است و بر استقلال خود پای می‌فشارد. اکنون که بیش از سه سال از این جنگ مخرب و نابرابر می‌گذرد، عربستان و متحدین‌اش یمن را به بزرگترین فاجعه انسانی در جهان مبدل کرده‌اند. عربستان سعودی به رغم همه بمباران‌های وحشیانه و حمایت‌های عظیم تسلیحاتی و تبلیغاتی و سکوت مرگبار افکار عمومی جهانی موفق به درهم شکستن این جنبش نگشته است. رسانه‌های بین‌المللی حسین البوخایتی را به عنوان سخنگوی حوثی‌ها معرفی می‌کنند، اما اینطور نیست. وی خبرنگار مستقلی است و شناخت دقیقی از جنبش حوثی‌ها دارد و در عین حال دو تن از برادران‌اش در رهبری این جنبش قرار دارند. حسین البوخایتی در پاسخ به این پرسش که چه عواملی برای برقراری صلح در یمن مورد نیاز است، گفت: «پاسخ: بسیار ساده است، سوئد و دیگر کشورهای غربی باید فروش تسلیحات نظامی به عربستان را قطع کنند».

پرولت: در رسانه‌های سوئدی معمولاً جنبش آزادیبخش حوثی‌ها را به عنوان «شورشیان» توصیف می‌کنند، در حالی که دولت تبعید در عربستان سعودی تحت رهبری منصور هادی را نماینده مشروع یمن ارزیابی می‌کنند، چگونه به آن نگاه میکنید؟

البوخایتی: قیامی را که حوثی‌ها در رابطه با رئیس‌جمهور پیشین یمن، علی عبد الله صالح و مورد حمایت امریکا و متحدین غربی‌اش به انجام رسانیدند، می‌توانیم این جنبش را جنبش آزادیبخش حوثی‌ها به نامیم. آنچه که جنبش نامیده می‌شود، بستگی به آن دارد که در مقابل چه اهدافی مبارزه می‌کنید، نگاهی بیاندازید به سوریه، که القاعده و دولت اسلامی (ISIS) در آنجا از طرف امریکا و متحدین‌اش «ارتش آزادیبخش» نامیده می‌شوند؟! در مورد منصورهادی متوجه نیستیم که غرب چگونه او را رئیس‌جمهور یمن جلوه می‌دهد! زمانی که در سال ۲۰۱۲ میلادی با حمایت و کمک دول عربی خلیج فارس انتخاب شد، هیچ نیروی رقیبی مقابل‌اش نبود. بعد از دو سال دوره ریاست جمهوری‌اش یک سال تمدید شد. چند هفته قبل از پایان دوره ریاست جمهوری‌اش و قبل از تجاوز ائتلاف عربستان در مارس ۲۰۱۵ منصور هادی از قدرت کنار رفت. پرولت: آیا میتوانید بطور مختصر اهداف سیاسی جنبش حوثی‌ها را شرح دهید؟

البوخایتی: این یک جنبش مردمی است، که حفظ حاکمیت یمن و جلوگیری از کشورهای غربی مانند آمریکا، انگلیس و دیگر کشورهای خلیج فارس از دخالت در امور داخلی ما هدف آن است. آمریکا مدت‌هاست که پرسنل و پایگاه نظامی در یمن دارد و بسیاری از حملات هواپیماهای بدون سرنشین را در یمن به انجام رسانیده! آنها می‌گویند که القاعده هدف نظامی آنها می‌باشد، اما آنها مردم بی‌دفاع غیرنظامی را مورد هدف و حملات خود قرار می‌دهند.

پرولت: ما اغلب می‌شنویم که جنبش حوثی‌ها از طرف ایران پشتیبانی و هدایت می‌شود، آیا این جنبش ابزاری در دست نیروهای



در حاشیه کنفرانس صلح استکهلم

فروش سلاح به عربستان را متوقف کنید!

مصاحبه با حسین البوخایتی در مورد اوضاع یمن «هفته‌نامه پرولت»، ارگان مرکزی حزب کمونیست سوئد، در پنجاهمین شماره خود، مورخ بیستم دسامبر ۲۰۱۸ میلادی گفتگویی با حسین البوخایتی (Hussain Albukhaiti)، خبرنگار مترقی و صاحب‌نظر یمنی در مورد اوضاع بحرانی یمن، تجاوز نظامی به این کشور، کشتار و قحطی و گرسنگی، نقش کشورها در این جنگ و پرسش‌هایی در مورد ادعای عربستان مبنی بر دخالت رژیم ایران در یمن و «نزاع شیعه و سنی» و چشم‌انداز صلح داشته که چکیده ترجمه آن از نظر خوانندگان گرامی توفان الکترونیکی می‌گذرد. شایان ذکر است دولت امپریالیستی سوسیال دمکرات سوئد میزبان کنفرانس صلحی است که در ششم دسامبر به منظور مذاکره برای آتش بس و در نهایت با هدف پایان دادن به این جنگ (بخوانید تجاوز نظامی هشت کشور به رهبری عربستان سوئدی و حمایت مسقیم آمریکا به کشور یمن!) آغاز گردید. هدف این تجاوز نظامی، که نقض آشکار حقوق ملل و تمامیت ارضی یمن است، سرکوب جنبش آزادیبخش حوثی‌هاست که برای استقلال کشور می‌جنگد و زیر بار سلطه عربستان سعودی و امپریالیسم آمریکا نمی‌رود. سازمان ملل متحد به همراه دول غربی به جای محکوم کردن این تجاوز و محکومیت دولت عربستان بی‌شرمانه از «جنگ داخلی و نزاع شیعه و سنی» سخن گفته و عملاً جانب سیاست المحاق طلبانه عربستان را گرفته و کوچک‌ترین قدمی در مورد این تجاوز و بمباران بربرمنشانه، که توسط جبهه ائتلاف تحت رهبری عربستان در مارس ۲۰۱۵ میلادی آغاز گردید، برنداشتند. این منادیان ریاکار حقوق بشر از یک سو با ریختن اشک تمساح، ظاهراً خواهان قطع و پایان جنگ‌اند، اما از سوی دیگر با فروش میلیاردها دلار سلاح مرگ‌بار به عربستان سعودی در عمل موجب ادامه جنگ و گرسنگی و قحطی و قتل هزاران کودک بی‌دفاع می‌شوند. هدف اصلی این تجاوز این بوده که جنبش آزادیبخش حوثی‌ها را در نطفه خفه کنند، جنبشی که تا آنموقع کنترل شمال یمن، پایتخت صنعا و پیشروی جنوب

استفاده از گاز شیمیایی در روستاها وجود دارد، اما به خاطر محاصره کشور امکان اثبات آن و دسترسی به کارشناسان بین‌المللی نیست. اینکه امروز یمن مورد توجه جهانیان قرار گرفته است، به گمان من بازتاب گسترده قتل خبرنگار عربستان، جمال خاشقچی در استانبول است. رسانه‌های قدرتمند در آمریکا و سایر جهان غرب ولیعهد عربستان را مورد آماج حملات خود قرار داده‌اند و خواهان برکناری او شدند. اما از آنجا که وی مورد حمایت انگلستان و آمریکا قرار دارد، جنگ یمن را که مسبب‌اش بن سلمان است، به میان کشاندند تا از این طریق وی را هدف قرار دهند.

پرولتار: ششم دسامبر ۲۰۱۸ میلادی مذاکرات صلح در استکهلم آغاز شد. به عقیده شما بزرگترین مانع صلح در یمن چیست؟
البوخایتی: آنچه که مذاکرات صلح در سوئد را از مذاکرات قبلی در کویت و ژنو متمایز می‌کند، این است که بحث اصولی و کلی در رابطه با قدرت سیاسی در یمن بر اساس خواست خلع سلاح حوثی‌ها مطرح بود، به طور کلی توده‌های میلیونی که از این فجایع رنج بسیار دیده و با قحطی و گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کنند، عملاً فراموش شده و محلی از اعراب نداشت. اما مذاکرات صلح در سوئد بر اساس جلب اعتماد متقابل و میانجی‌گری سازمان ملل متحد برای نجات جان انسان‌ها تنظیم شده است. معاوضه اسرای جنگی، بازشدن فرودگاه پایتخت کشور، صنعا و بازشدن بندر هودیدا برای کمک‌های انسانی بوده است. این امر مثبتی است که تمام تلاش را متوجه مردم یمن کرد. بزرگ‌ترین مانع برای صلح حملات نظامی از سوی قدرت‌های خارجی است. گفته می‌شود که این یک جنگ داخلی است! اما عربستان بخشی از نیروی داخلی یمن نیست.

پرولتار: چه اقداماتی باید سوئد و دنیای غرب به انجام رسانند، تا از ایجاد صلح در یمن و خاورمیانه جلوگیری نشود؟

البوخایتی: وزیر خارجه کشور شما سوئد، خانم مارگوت والس‌تروم (Margot Wahlström)، عنوان می‌کند که هرچند سوئد کشور سردخیزی است، اما قلب‌های پرحرارت و عاشقانه ما برای مردم یمن و آزادی آنها می‌تپد؟! و بدین گونه اظهار همدردی می‌نماید! به نظر من اینگونه سخنان پوچ و بی محتوا بسیار احمقانه و دورویی بودن ایشان را نشان می‌دهد. از یکسو اظهار همدردی کردن با مردم یمن و از سوی دیگر فروختن سلاح‌های مرگبار به عربستان سعودی برای کشتار آگاهانه مردم یمن، به عبارتی بوی دلار و منافع اقتصادی به مشام می‌رسد، به این می‌گویند عوام‌فریبی و به بی‌راهه‌بردن افکار عمومی. کسانی که واقعاً مدافع و حمایت‌کننده این جنگ مخرب و ضد مردمی هستند، کسانی هستند که سعودی‌ها را با سلاح‌های کشته‌ده و مرگبار تجهیز می‌نمایند. من امیدوار بودم که سوئد با انتشار بیانیه‌ای صدور سلاح به عربستان و متحدین‌اش را متوقف کند. ما می‌خواهیم که صدور اسلحه به عربستان متوقف گردد. فقط کافی است که آمریکا سلاح به عربستان را متوقف کند، تا جنگ پایان گیرد. آنها که در عمل این جنگ را پیش می‌برند، کسانی هستند که سلاح عربستان را تأمین می‌کنند. علی‌رغم این من امیدوارم که سوئد از موقعیت کنونی بهره‌جوید و کار مثبتی انجام دهد. ●

خارجی است؟

البوخایتی: ایران در یمن هیچگونه قدرت نظامی ندارد، اما مسئله ایران توسط رسانه‌های بین‌المللی تبلیغ شده برای اینکه تضاد به ظاهر فرقه‌ای را بوجود آورند. آنها می‌گویند از آنجائی که ایران دارای مذهب شیعه است و متضاد سنی‌ها بوده، عربستان سعودی سنی آنرا تبلیغ و ترویج می‌کند، تا بتواند بوسیله آن کشورهایی را که دارای مذهب سنی هستند، تحریک و تشویق به جنگ با یمن کند. البته قابل ذکر است که حوثی‌ها و ایران دارای دیدگاه‌های مشترکی هستند. بگذارید بهتر بیان کنم، تحریم‌ها و بلوکه کردن یمن از طریق عربستان و متحدین‌اش این امکان را به کسی نمی‌دهد که تسلیحات نظامی به یمن ارسال کند. وقتی از غذا و دارو ممانعت به عمل می‌آورند، چطور امکان‌پذیر است که ایران بتواند موشک‌های دوربرد به یمن صادر کند؟

پرولتار: القاعده در شبه جزیره عربی قبل از حمله نظامی عربستان سعودی وجود داشت. در حال حاضر نیز دولت اسلامی (IS) حضور دارد. تأثیر این گروه‌های تروریستی در وضعیت یمن چگونه است؟

البوخایتی: در دهه ۸۰ میلادی یمن تنها کشوری بود که اکثر جنگجویان خود را به افغانستان فرستاد برای مقابله با روس‌ها. عربستان سعودی مسئول تأمین مالی بود و آمریکا آنها را آموزش نظامی می‌داد. پس از آنکه حوثی‌ها در سال ۲۰۱۴ میلادی قدرت را در صنعا به دست گرفتند، کشور از وجود القاعده پاک شد. در تمام مناطق تحت کنترل حوثی‌ها نه القاعده‌ای و نه دولت اسلامی (IS) وجود دارد. بدین دلیل این با منافع سیاسی آمریکا و عربستان سعودی هم‌خوانی ندارد! القاعده در مناطق تحت کنترل ائتلاف سعودی رشد بیش از اندازه‌ای کرده است و بسیاری از اعضای القاعده در یمن اهل عربستان سعودی هستند. اخیراً اسوشیتدپرس گزارش داده که امارات متحده عربی با القاعده برای مبارزه با حوثی‌ها به توافق رسیده‌اند. بمب‌افکن‌های عربستان سعودی هم‌زمان تأثیرات مخربی بر میلیون‌ها یمنی به جای گذارده، بطوری که عمل‌کردهای در جهت تخریب زیرساخت‌ها، جاده‌ها، بیمارستان‌ها، تأمین آب آشامیدنی مورد احتیاج مردم و فرودگاه‌ها می‌باشد.

پرولتار: فاجعه انسانی و وضعیت وخیم مردم یمن؟

البوخایتی: یمن امروز بزرگترین بحران انسانی در جهان است. بیشترین آسیب به مردم را محاصره خارجی می‌رساند. تنها از طریق محاصره، ۲۴۵/۰۰۰ هزار نفر از بیماری و سوءتغذیه جان خود را از دست داده‌اند. هزاران غیر نظامی از پیر و جوان گرفته تا کودکان بی‌گناه جان خود را از دست داده‌اند. بیش از ۱۶/۰۰۰ غیر نظامی توسط بمباران‌های عربستان جان باخته‌اند. بمباران‌های عربستان تمام زیرساخت‌های یمن، از بیمارستان گرفته تا فاضلاب و جاده‌ها و مخازن لوله‌های آب را هدف گرفته است. برای مقابله با وبا نیاز به آب سالم است. در روستاها هنوز وضع وخیم‌تر است و تمام منابع آبی مورد حملات هوایی قرار گرفته‌اند. بمباران‌های عربستان یمن را به عصر حجر پرتاب می‌کند. تمام صنایع ماهی‌گیری و شیلات و کشاورزی در شمال یمن مورد بمباران قرار گرفته‌اند. اطلاعاتی مبنی بر

سخن هفته

سخنی در مورد شکست راهبردی و مفتضحانه امپریالیسم آمریکا در سوریه

چهارشنبه، ۲۸ آذر ۱۳۹۷، ۱۹ دسامبر ۲۰۱۸ دونالد ترامپ با توئیتی از صدور فرمان خروج سریع نیروهای نظامی آمریکا از خاک سوریه، خبر داد. او در توئیت ساعت صبح پنجشنبه، ۲۰ دسامبر بار دیگر بر این امر تأکید کرد و نوشت:

«خروج از سوریه چیز عجیبی نیست. من سال‌ها برای آن کمپین کرده‌ام و شش ماه پیش علناً خواستار آن شدم. روسیه، ایران، سوریه و دیگران دشمنان محلی داعش‌اند. ما [در سوریه] کار آن‌ها را می‌کنیم. وقت آن است که به خانه بازگردیم و آن را بازسازی کنیم». دونالد ترامپ در مصاحبه کوتاهی نیز مضحکانه اظهار داشت که «ما بر داعش پیروز شدیم و به مأموریت خود در سوریه پایان می‌دهیم». این فرمان دونالد ترامپ جنجال و مخالفت‌هایی را در محافل قدرت و در درون دو حزب جمهوری خواه و دمکرات برانگیخت. بعدازظهر پنجشنبه، جیمز متیس، وزیر دفاع، در ملاقات با دونالد ترامپ، شخصاً استعفانامه خود را تقدیم کرد. طرح اعلام خروج بخشی یا نیمی از نیروهای نظامی آمریکا از خاک افغانستان از سوی ترامپ نیز موجب بحث‌هایی در رسانه‌های داخلی و خارجی گشته است.

پرسش این است: آیا طرح خروج نیروهای آمریکایی از سوریه یک تاکتیک نظامی و خیز برداشتی دوباره جهت حمله نظامی به دمشق و سرنگونی حکومت سوریه و سپس تجاوز نظامی به ایران است؟ اگر چنین باشد آنوقت این سیاست حتماً مورد استقبال عربستان سعودی و اسرائیل و جنگ‌افروزان پنتاگون باید قرارگیرد و نه حیرت و عریبه کشی افرادی نظیر نتانیاهو، حتی جان بولتون و تیم امنیت ملی و یا لابی‌های ضدایرانی و صهیونیست در واشنگتن، که این سیاست را به نفع ایران تبلیغ میکنند و به تحریک علیه ایران می‌پردازند. پس خروج قوای نظامی آمریکا یک تاکتیک نظامی نمی‌تواند باشد، بلکه یک شکست راهبردی سیاست امپریالیسم آمریکا در سوریه و منطقه است و این شکست از مدت‌ها قبل با درهم شکستن تروریست‌های داعشی، این پیاده نظام آمریکایی در شهر حلب رقم خورد و تمام طرح و توطئه جنگ نیابتی غرب به سرکردگی آمریکا برای جابجایی قدرت سیاسی در دمشق به شکست انجامید. رژیم سوریه به رهبری بشار اسد ماندگار شد، داعشیان متلاشی، متحدین آمریکایی یکی پس از دیگری در باتلاق بحران و سردرگمی فرورفته و اینها همه موجب گردید که آمریکا مجبور به خروج از سوریه گردد:

یکم اینکه ارتش ملی سوریه در شهر حلب بر تروریست‌ها غالب شدند و همه بشریت متمدن از این خبر احساس غرور و شادمانی کرد. پیروزی مردم سوریه در حلب پیروزی همه انسان‌ها، به ویژه مردمان خاورمیانه بود. پیروزی مردم سوریه در حلب البته پایان جنگ نبوده است، ولی نقطه عطفی در جنگ تجاوزکارانه‌ای بوده که امپریالیسم و تروریسم آنرا به مردم سوریه تحمیل کردند و می‌خواستند به تمام خاورمیانه تسری دهند. این درست است که

هنوز سوریه به طور کامل آزاد نشده است و تروریست‌های وارداتی به کمک «جبهه وسیع دوستان سوریه»، که اتحادی از امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع منطقه است، در گوشه و کنار فعال بوده و آخرین نفس‌های خود را می‌کشند، لیکن ارتش دو بیست هزار نفری و پیاده نظام آدم‌خواران داعش، که از سراسر جهان و با پول و سلاح امپریالیست‌ها، بویژه عربستان و قطر به خاک سوریه تجاوز کردند، درهم شکسته شدند و این شکست آمریکا راهبردی بوده است و در نتیجه حضور ریاکارانه ارتش پنج هزارنفره آمریکا در خاک سوریه تحت بهانه «مبارزه با تروریسم» ره به جایی نبرد و اکنون به عنوان نیرویی متجاوز که برخلاف تمام قوانین بین‌المللی وارد خاک سوریه گردید، مفتضحانه پا به فرار می‌گذارد.

دوم اینکه امروز امپریالیست‌ها دخالت در امور داخلی سوریه را توسط شرکت علنی سفرای فرانسه و آمریکا در نمایشات اعتراضی اخوان المسلمین که در آغاز فضای «بهار عربی» آزادانه حق نمایشات اعتراضی داشتند، به دست فراموشی سپرده‌اند و در مورد این دخالت آشکار سکوت مرگ اختیار می‌کنند. آنها کتمان می‌کنند که عمل خویش، جاسوسان و خبرنگاران خویش را بدون مجوز قانونی و درخواست روادید، به طور غیرقانونی از مرزهای سوریه قاچاقی به داخل سوریه اعزام می‌کردند، تا گزارش‌های باب میل آنها را تهیه کرده و برای فریب و صحنه‌سازی به افکار عمومی جهان تلقین کنند. واقعیت این است که سفرای خارجی در امور داخلی سوریه رسماً دخالت می‌کردند و سفرای بیگانه مردم سوریه را به تحریک و توسل به قهر ترغیب و تشویق می‌نمودند و زمانی که در برنامه خویش شکست خوردند، تک تیراندازهای داعش را به شهرهای سوریه گسیل داشتند، تا با تیراندازی به ارتش و پلیس و توزیع اسلحه به جنگ داخلی دامن زنند. آنها جاسوسان خویش در ارتش را، به فرار ترغیب کردند، در محل‌های استقرار دولت اسد بمب‌گذاری نمودند، در شهرها عملیات انتحاری برای ایجاد تزلزل و آشفتگی انجام دادند، به جان بشار اسد سوء قصد کردند، سوریه را با جار و جنجال از سازمان‌های جهانی اخراج کردند، در سفارتخانه‌های سوریه را در کشورهای تحت نفوذشان بستند، اپوزیسیون دست‌پرونده برای سوریه، در لندن و پاریس و برلین ساختند که مسئولیت اخبار جعلی را برعهده گیرند، آنها تلاش کردند با «آزاد سازی» بخشی از سوریه در مرز ترکیه به عنوان «سوریه آزاد» دولتی دست‌نشانده در این منطقه «سوریه آزاد» ایجاد کنند و راه تجاوز مستقیم امپریالیسم را به دعوت «دولت آزاد» سوریه به عنوان «ارتش آزاد سوریه» به سوریه مستقل به‌گشایند. همه این دسیسه‌های امپریالیسم و تروریسم و فریبکاری‌های بی‌شرمانه به علت مقاومت مردم سوریه درهم شکست. آن بخش از اپوزیسیون خودفروخته ایرانی که برای سرنگونی رژیم اسد نعره می‌کشید، تا پس از آن راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را توسط امپریالیست‌ها هموار سازد، امروز به عزا نشسته است و به دونالد ترامپ لعنت می‌فرستد.

سوم اینکه پس از ماجرای ترور و تکه تکه کردن جمال خاشقچی و بی‌آبرویی و انزوای بین‌المللی مهم‌ترین مهره و متحد ترامپ در جهان عرب، پس از عدم موفقیت در انتخابات عراق و نخست وزیر

اعلامیه حزب کارایران (توفان)

بمباران تروریسته سوریه نقض آشکار تمامیت ارضی و نقض حقوق ملل است و قویا آن را محکوم می‌کنیم

هوایماهای اسرائیل سه شنبه شب با عبور از حریم هوایی لبنان، پایگاههایی را در اطراف دمشق بمباران کردند به گفته خبرگزاری دولتی سوریه این حملات باعث زخمی شدن ۳ سرباز شده است.

وزارت دفاع روسیه بدون آنکه مشخص کند چه هوایماهایی مورد تهدید قرار گرفته‌اند گفته است که دفاع هوایی سوریه ۱۴ موشک از ۱۶ موشک پرتاب شده از سوی اسرائیل را سرنگون کرده است.

برخی از منابع مشکوک حقوق بشری نظیر دیده‌بان حقوق بشر سوریه که در لندن مستقر است گفته است که «هوایماهای اسرائیل دستکم سه هدف را در غرب و جنوب غرب دمشق بمباران کرده‌اند که این اهداف انبار تسلیحاتی ایران یا حزب الله لبنان» بوده است.

بارها نوشته و تاکید کرده ایم که خاورمیانه برای اینکه روی آسایش ببیند باید دست امپریالیسم و صهیونیسم را از منطقه کوتاه کند. رژیم صهیونیستی و متجاوز اسرائیل همدست داعش و عربستان است که تمام زورش را زده تا رژیم مستقل و قانونی سوریه را سرنگونی سازد؛ لیکن با شکست سختی روبرو شده است. اقدام اخیر صهیونیستها که بیشتر برای مصرف داخلی بوده در عین حال نشان از ضعف و استیصال و ابراز نارضایتی از عقب نشینی و شکست مفتضاحانه آمریکا در سوریه نیز می‌باشد.

حزب کارایران (توفان) این حمله تروریستی و تجاوزکارانه که نقض آشکار تمامیت ارضی و مغایر با حقوق ملل است را قویا محکوم میکند و از همگان می‌خواهد که این اقدام جنایتکارانه و توسعه طلبانه را محکوم نمایند.

دست رژیم صهیونیستی و جنایتکار اسرائیل از سوریه کوتاه باد! خروج فوری و بی قید و شرط نیروهای متجاوز از خاک سوریه!
حزب کارایران (توفان)

۵ دی ماه ۱۳۹۷

نشدن گزینه مورد حمایت آمریکا، پس از تمایل به از سرگیری روابط دولت‌های عربی با دولت سوریه، پس از بروز اختلافاتی با اتحادیه اروپا برسر خرید گاز آلمان از روسیه و طرح ارتش مستقل اروپایی و عدم رضایت اتحادیه اروپا نسبت به سیاست آمریکا مبنی بر خروج از برجام، پس از شکست سیاست ماجراجویانه و مقابله با کره شمالی برای خلع سلاح اتمی این کشور و سر بلند کردن قطب چین و روسیه و... این تصمیم و طرح خروج از سوریه تعجب برانگیز نیست. تصمیمی که چشم‌انداز سیاسی سوریه را بسیار روشن‌تر از قبل کرده و سیمای جدید جهان چند قطبی را به نمایش گذاشته است. حتی اگر آمریکا به رغم طرح اعلام خروج از خاک سوریه موجب درگیری‌هایی محدودی در اینجا و آنجا گردد، لیکن بازهم تغییری در سیاست کلی آمریکا و تن دادن به دنیای چندقطبی بوجود نخواهد آمد. طرح تجاوزکارانه و استعماری غرب به سرکردگی آمریکا در سوریه با شکست سختی روبرو گردید.

چهارم اینکه وضعیت کردهای سوریه نیز در شرایط کنونی مضحک و در عین حال اسفناک است. با خروج آمریکا از سوریه کردها یا باید به ارتش ملی سوریه بپیوندند و متحد برای دفاع از تمامیت ارضی سوریه و یکپارچگی آن در مقابل قوای متجاوز ترکیه به‌جنگند، یا اینکه در دو جبهه در مقابل ارتش ترکیه و سوریه قرارگیرند و در چنین حالتی فرجامی جز شکست سنگین و کشتار نصیب‌شان نخواهد شد. این شکست ادامه شکست کردهای خودفروخته اقلیم کردستان عراق است، که می‌خواستند با یک همه‌پرسی خائنانه به یاری امپریالیسم و صهیونیسم «دولت مستقل کردستان» را تحت رهبری باند بارزانی و شرکاء اعلام کنند. عاقبت اعتماد و تکیه به امپریالیسم جز شکست و سرافکنندگی نیست و نخواهد بود. حالا باید منتظر صدور بیانه کردهای روژوا در محکوم کردن خروج ارتش آمریکا از خاک سوریه تحت عنوان خیانت آمریکا به کردها باشیم!!

پنجم اینکه پیروزی مردم سوریه، شکست دروغگوها و جاعلان اخبار جنگی نیز بوده است. شکست داعش در حلب و نود درصد خاک سوریه و طرح خروج رسمی آمریکا از این کشور چشم بسیاری از مردم جهان را گشود که مطبوعات غرب همه دروغگو هستند که با بی‌وجدانی خون‌ریزی امپریالیست‌ها و دست تروریست‌های آنها در استفاده از گاز شیمیایی و یا عملیات بمب‌گذاری برای کشتن مردم عادی را باز می‌گذاشتند و می‌گذارند. آنها حتی شورای امنیت سازمان ملل و رئیس گماشته کره‌ای تبار آمریکائی را به خدمت گرفتند. ولی بازهم باختند و بازهم خواهند باخت. خاورمیانه برای اینکه روی آسایش ببیند، باید دست امپریالیسم و صهیونیسم را از منطقه کوتاه کند. آنوقت باید با رژیم‌های ارتجاعی حاکم در منطقه تعیین تکلیف کرد که آنها به عهده خلق‌های خود این کشورها بدون دخالت مزورانه خارجی است. تجربه سوریه باید تجربه آموزنده‌ای برای مبارزه مردم ایران باشد، تا مرز روشنی با دوستان و دشمنان ایران داشته باشند.

جمعه ۲۱ آذر ۱۳۹۷

برگرفته از صفحه فیسبوک حزب کارایران (توفان) •

بیانیه حزب کمونیست کارگران فرانسه

کارگران فرانسه به سنت‌های پر جوش و خروش و انقلابی خود افتخار می‌کنند. گاردین از قول یک پیرمرد بازنشسته ۷۰ ساله، که به جنبش جلیقه زردها پیوسته، مینویسد:

«از ۱۷۸۹ ما فرانسوی‌ها انقلاب‌های زیادی داشته‌ایم؛ از شر شاه خلاص شدیم، اما هنوز می‌جنگیم چون ثروتمندان هنوز در قدرتند و نابرابری هنوز پابرجاست.»

طغیان مردم فرانسه بر علیه سیاست‌های نئولیبرالی و ریاضت اقتصادی برحق است. پدیده «جلیقه زردها» به سرعت در حال گسترش به کشورهای دیگر است. بازداشت بیش از ۱۵۰۰ تن از معترضین خیابانی نشان از هراس حکومت امپریالیستی فرانسه از قدرت مردم، بویژه طبقه کارگر است. عقب‌نشینی ماکرون از اجرای افزایش مالیات بنزین و گازوئیل نشان از تمایل باطنی او نیست، بلکه ناشی از صف با شکوه کارگران و زحمتکشانی است که ارکان حکومت را به لرزه درآوردند. حق را باید با زور از حلقوم زورمندان سرمایه بیرون کشید.

بیانیه حزب کمونیست کارگران فرانسه

حکومت مجبور شد عقب نشینی کند: پس دامنه جنبش، اعتراض اجتماعی را گسترش دهیم

مکرون و شرکاء (دولت) مجبور شدند، تا در قبال اعتراض اجتماعی نیرومند جاری موسوم به «جلیقه زردها» عقب‌نشینی کنند و در مواردی، گرچه محدود، امتیازاتی بدهند.

رئیس جمهور متکبر، خادم ثروتمندان و کارفرمایان وزیرش را مأمور کرد تا به نحوی خشم عظیم اجتماعی را، خاصه در مناطق رهاشده کشور، مهار کند. از روز سه‌شنبه (هفته گذشته)، تابوهای حکومت، مانند مالیات بردارانی، این سمبل سیاسی برای ثروتمندان، می‌تواند از جانب مکرونیست‌ها مورد «بحث قرار گیرد»، ولی به شرطی که جهت‌گیری‌های مهم نئولیبرال پابرجا بمانند.

فاصله گرفتن‌ها از مدیریت تحقیرآمیز رئیس جمهور و فراخوان‌های فریبنده افزایش می‌یابد. علامتی که بی‌ارتباط با تضعیف موقعیت انتخاباتی حکومت نیست. جنبش جلیقه زردها خود را در دوران بلند مدت بسیج سندیکائی نشان داد: بسیج علیه قانون الخمری، علیه قانون «کار، حذف کمک مسکن، تعطیل بیمارستانها...».

امروز بسیج‌ها و اعتصابات در بنگاه‌های جداگانه حول افزایش دستمزد، ابتدا افزایش حداقل دستمزد تا ۱۸۰۰ یورو، پیش می‌روند. نتایج اصلاحات برای دیپلم متوسطه، حذف پست‌های آموزشی در مدارس نظری و حرفه‌ای. اصلاحاتی که در حال انجامند، محرک بسیج محصلان در صدها مدارس می‌شوند، مطالباتی دارند که با



- افزایش استخدام در بخش دولتی
- برنامه‌ریزی برای ساخت ۵ میلیون مسکن اجتماعی
- مقابله با انحصارگرایی بانک‌ها
- لغو بهدیمی‌ها

ب: سیاست

- نوشتن یک قانون اساسی جدید
- ممنوع کردن لابی‌ها و شبکه‌های نفوذ
- خروج از اتحادیه اروپا
- استرداد ۸۰ میلیارد یورو فرار مالیاتی که هر سال در بورس اتفاق می‌افتد
- توقف فوری خصوصی‌سازی‌ها و پس‌گرفتن اموال عموم
- جمع‌آوری دستگاه‌های خودکار جریمه بیهوده از جاده‌ها
- حذف ایدئولوژی از نظام آموزش و پرورش
- چهار برابر کردن بودجه اختصاصی برای تأمین عدالت اجتماعی
- شکستن انحصار رسانه‌ای
- تضمین آزادی شهروندان

ج: بهداشت و محیط‌زیست

- وادار ساختن تولیدکنندگان به تأمین قطعات به مدت ده سال جهت مقابله با کهنگی تعمیری
- ممنوع کردن تجاری‌سازی بطری‌های پلاستیکی و سایر مواد بسته‌بندی آلاینده
- مقابله با نفوذ فزاینده لابراتورهای دارویی
- ممنوع کردن محصولات دستکاری شده ژنتیکی، کودهای سرطان‌آور و...
- باز صنعتی‌سازی کشور به منظور کاهش واردات و آلودگی

د: ژئوپلیتیک

- خروج فوری از ناتو-
- توقف غارت و مداخله سیاسی و نظامی در افریقا
- جلوگیری از مهاجرت‌هایی که امکان پذیریش و ادغام آنها برای ما وجود ندارد
- احترام به معاهده‌ها و حقوق بین‌الملل

چماق پاسخ می‌گیرند. ولی این پاسخ در اوضاع و احوال جاری کشور، می‌تواند بسیج بیشتر، حمایت گسترده‌تر در سایر بخش‌های مبارزه را به دنبال داشته باشد.

حکومت تضعیف شده، یک شکاف باز شده است. امتیازات داده شده، فقط نوعی لغوشش ماهه است، تدابیری که آتش پیا کرد: لغو افزایش مالیات‌ها بر روی مواد سوخت و وسائل موتوری، ثابت ماندن نرخ برق تا ماه مه سال ۲۰۱۹. امتیازی که خیلی کم است و خیلی هم دیر آمد.

از ابتدای جنبش جلیقه زردها، مطالبات عدالت اجتماعی، تدابیر مشخص برای افزایش دستمزدهای محقر، بازنشستگی، بیمه‌های بیکاری؛ مطالباتی مثل مالیات بیشتر برای شرکت‌ها، برای دموکراسی بیشتر، اضافه شدند.

در پلانفرم جلیقه زردها، کلی هم مطالبات در مورد جنبش کارگری و سندیکائی، انجمن‌های دفاع از منافع توده‌ها (برای مسکن اجتماعی)، آموزش بچه‌ها و جوانان، دفاع بیمارستان‌ها و سیستم درمانی قابل دسترسی برای همه)، دفاع از خدمات عمومی.

این جنبش‌های مختلف در مقابل هم نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند. حکومت با پیشنهاد، مذاکرات می‌کند، تا وقت بخرد و خود را از انزوا خارج نماید. این فرصت را به او ندهیم!

جنبش جلیقه زردها ادامه بسیج را فراخوان می‌دهد.

جنبش سندیکائی، خاصه فراخوان CGT، برای قرار، با اعتصابات و تظاهرات، در روز ۱۴ دسامبر آینده.

ابتکار در دست کارگران، اقشار توده‌ای، در سازمان‌های مبارز است. مطالباتی برای وحدت میان جنبش‌های مختلف، مطالباتی که بیش همیشه در دستور کارند:

افزایش مزد حداقل ۱۸۰۰ یورو، بازنشسته‌ها و حداقلی‌های اجتماعی؛

قبول هزینه ایاب ذهاب از طرف کارفرما؛

مالیات بر محصول ۵۱۵٪ درصد برای فرآورده‌های لازم زندگی؛ برقراری مالیات بردارانی.

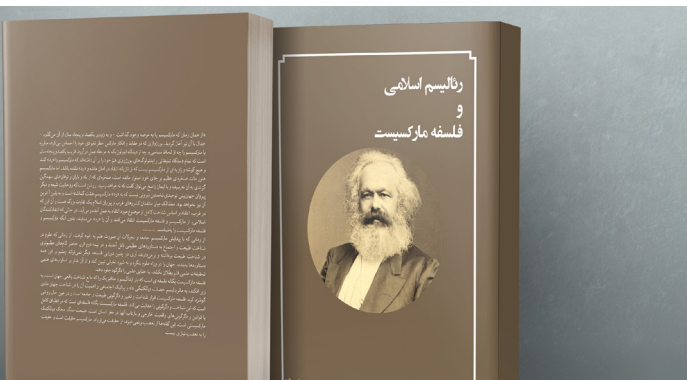
پاریس ۵ دسامبر ۲۰۱۸
حزب کمونیست کارگران فرانسه
www.pcof.net
pcof@pcof.net

منشور جلیقه زردها، که خیابان‌های فرانسه را امروز تسخیر کرده‌اند:

راهکار برای خروج از بحران

الف: اقتصاد اشتغال

- در قانون اساسی درج شود که دولت نمی‌تواند بیش از ۲۵ درصد از شهروندان مالیات بگیرد
- افزایش ۴۰ درصدی دستمزدها



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید



گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ

به یک پرسش

پرسش: شما اقتصاد سرمایه‌داری دولتی را در دوره شوروی استالین سوسیالیستی ارزیابی می‌کنید. مگر سوسیالیسم مالکیت اشتراکی تعریف نمی‌شود. بسیار ممنون می‌شوم تعریف خود را از مالکیت سوسیالیستی برایم بنویسید.

پاسخ: دوست عزیز، ما تلاش می‌کنیم به پرسش شما در مورد تعریف از سوسیالیسم بطور مختصر پاسخ دهیم و به یکی از انحرافات رایج و سردرگمی که در این مورد در جنبش چپ ایران وجود دارد به پردازیم.

سوسیالیسم بنابر تعریف مارکس، یک دوران گذار به کمونیسم با دولت دیکتاتوری پرولتاریاست. سازمان اقتصادی دوران گذار در هر مرحله‌ای از تاریخ و با تنوع بی‌شمار اشکال آن همواره به دو سیستم عمده، سرمایه‌داری و سوسیالیسم تقسیم می‌شود و جامعه در ابتدای امر خصوصیات هر دو سیستم را داراست. حتی با محو طبقات استثمارگر و قبل از مرحله‌ی کمونیسم پاره‌ای از این خصوصیات باقیست، چرا که سوسیالیسم کامل یا کمونیسم هیچگاه یکباره به وجود نمی‌آید. لنین در این رابطه می‌گوید:

«از لحاظ تئوری جای تردید نیست که بین سرمایه‌داری و کمونیسم یک دوران انتقالی معین فاصله است. این دوران نمی‌تواند مشخصات یا خواص این هر دو شکل اقتصادی اجتماعی را در خود جمع نکند». (اقتصاد و سیاست در عصر دیکتاتوری پرولتاریا)

فورماسیون‌های قبل نیز چنین بوده‌اند. فی‌المثل سرمایه‌داری خود به یکباره در هیچ کشوری مسلط نشد، بلکه «دوران گذار» از فئودالیته به سرمایه‌داری را طی نمود. مرحله‌ی گذار از یک حالت به حالت دیگر، نظریه‌ای علمی است که حتی با قوانین فیزیکی نیز به اثبات رسیده است و به قول لنین هر شخص تحصیل کرده‌ای که به نحوی از انحاء با تئوری تکامل آشنا باشد، باید ضرورت آن را درک کند. لنین بر اساس برداشت‌های علمی خود از اقتصاد روسیه این دوره‌ی گذار از فئودالیسم به سرمایه‌داری را در کتاب مشهور خود «توسعه‌ی سرمایه‌داری در روسیه» چنین بیان می‌کند:

«اقتصاد سرمایه‌داری نمی‌توانست به طور ناگهانی ظاهر شود و اقتصاد کوروه (کار خدمتی به فئودالیسم — توفان) یقیناً ناپدید گردید. تنها سیستم اقتصادی ممکن نوعی سیستم گذاری بود که خصوصیات هر دو سیستم کوروه و سرمایه‌داری را یکجا داشت. در حقیقت سیستم زراعتی بعد از رفرم هم که به دست اربابان اعمال می‌گردید، دقیقاً دارای خصوصیات هر دو سیستم می‌باشد». (ص ۱۲۴)

مارکس نیز به این دوره‌ی گذار در اروپا اشاره کرده و سراسر سال‌های انباشت اولیه‌ی سرمایه را متعلق به این دوره‌ی تاریخی گذار می‌داند که عاقبت مالکیت خصوصی سرمایه‌داری که بر مبنای کار دیگران قرار داشت، توانست این شکل را پشت سر گذاشته و سلطه‌ی خود را مستقر سازد.

شاید طرح این مسئله در اینجا بی‌ربط به نظر رسد، اما اشکال اساسی بسیاری از نظر آنچه در برخورد به سوسیالیسم در شوروی به این درک ارتباط دارد. نه‌شناختن جامعه‌ی گذار در سیاست و تاکتیک نیروهای سیاسی اثر گذاشته و آنها را از مسیر

نمی‌شد و شرایط جدید اقتصادی با سیاست نوین اقتصادی به میان نمی‌آمد، پرولتاریا با فاجعه روبرو می‌شد. لنین در این باره می‌گوید:

«گذار مستقیم به شکل‌های صرفاً سوسیالیستی اقتصادی و توزیع صرفاً سوسیالیستی از قدرت ما خارج بود و اگر نمی‌توانستیم عقب‌بنشینیم و وظائف آسان‌تری را به عهده بگیریم با فاجعه روبرو می‌شدیم». (کنگره‌ی چهارم کمیتزین — سخنرانی لنین).

مطابق این سیاست جدید اقتصادی، دهقانان مازاد محصولات خود را پس از پرداخت مالیات به تشخیص خود به مصرف می‌رساندند و آزادی داد و ستد برقرار گردید. حتی بهره‌برداری پاره‌ای از معادن، جنگل‌ها، میدان‌های نفتی تحت کنترل شدید دولت به سرمایه‌داری خارجی و داخلی اجاره داده شد و شرکت‌های مختلطی با آنها در صنایع نیز به وجود آمد تا از این طریق سوسیالیسم را نجات دهند. به این بخش از اقتصاد شوروی «سرمایه‌داری دولتی» نام نهادند و لنین دقیقاً منظورش از سرمایه‌داری دولتی این‌ها بوده است. طبیعی بود که این عقب‌نشینی باجی باشد که دولت سوسیالیستی به واسطه‌ی ضعف پرولتاریا به بورژوازی جهانی و خودی می‌دهد. هم چنین دولتمردان جدید از این طریق توانستند «تجارت کردن» و اداره‌ی صنایع را بیاموزند و از اشتباهات آینده پرهیز نمایند. این عقب‌نشینی‌ها همان‌طور که همگان می‌دانند پس از چندی که پرولتاریا توان لازم را بازیافت متوقف شد و دوباره تهاجم به سرمایه‌داری آغاز گردید. همه‌ی امتیازات از بین رفت و تمامی شاخه‌های تولید مستقیماً در اختیار دولت سوسیالیستی قرار گرفت. حتی دهقانان نیز از تولید خرد و پراکنده به تولید جمعی و سوسیالیستی کشیده شدند. حال آیا این سرمایه‌داری دولتی همان سرمایه‌داری دولتی در کشورهای سرمایه‌داریست؟! لنین در این مورد مشخص چنین توضیح می‌دهد:

«در مفهوم متفاوت‌اند. سرمایه‌داری دولتی در دولت سرمایه‌داری بدین معناست که دولت آن را به رسمیت می‌شناسد و در جهت منافع بورژوازی و به زیان پرولتاریا بر آن نظارت می‌کند. در دولت پرولتاریائی هم همین کار در جهت منافع طبقه‌ی کارگر و به منظور ایستادگی در برابر بورژوازی هنوز نیرومند و مبارزه با آن انجام می‌گیرد». (سخنرانی در کنگره‌ی سوم کمیتزین)

عده‌ای از آنجا که قادر به درک تفاوت این دو نوع سرمایه‌داری دولتی نیستند، لنین را نیز متهم می‌کنند که «درک روشنی از اقتصاد دوره‌ی دیکتاتوری پرولتاریا» نداشته است و این نوع «سرمایه‌داری دولتی» را با انحصار دولتی سرمایه در دوران

اصولی دور می‌سازد. همانگونه که در برخورد به مسئله‌ی دوران گذار در سوسیالیسم نیز شاهدیم، در دیکتاتوری پرولتاریا تا قبل از استقرار کامل سوسیالیسم اشکال مختلف تولیدی وجود دارد، خصوصاً در دوران اولیه‌ی آن که جامعه تمام کثافات گذشته را با خود دارد. این چندگونه‌گی بیشتر به چشم می‌خورد. لنین نیز به ۵ شکل مهم تولیدی در روسیه اشاره می‌کند. اما آنچه که در این مسئله مهم و تعیین‌کننده است سیاست است. جهت اصلی اقتصاد را سیاست تعیین می‌کند و دیکتاتوری پرولتاریا، که هدف اقتصادی آن استقرار سوسیالیسم بود، کشور را همه‌جانبه به این سمت سوق داد. لنین در جمع‌بندی ۵ ساله‌ی انقلاب اکتبر با وجود چنین عناصری در اقتصادیات کشور و حتی با وجود سلطه‌ی اقتصادیات خرد و پراکنده می‌گوید:

«جمهوری ما در همان زمان، یک جمهوری سوسیالیستی بود و ما همه روزه شتابان، بسیار شتابان، اقدامات اقتصادی جدید گوناگونی به عمل می‌آوردیم که هیچ عنوانی جز اقدامات سوسیالیستی نمی‌شود به آنها داد».

البته برخی‌ها از جریان‌ات شبه سوسیالیست، که درک اکونومیستی از سوسیالیسم دارند، این را قبول ندارند، از این جهت نیز از کاربرد کلمه‌ی «سوسیال امپریالیسم شوروی» امتناع می‌ورزند، چرا که در غیر این صورت این «تصور» را می‌دهد که گویا روسیه یک کشور سوسیالیستی بوده که بعدها تغییر یافته است. مطابق تزه‌های انحرافی این جریان‌ات، گویا حزب بلشویک تنها «سرمایه‌داری دولتی» را مستقر نمود و این شکل اقتصاد نیز از جانب لنین به عنوان تنها شکل اقتصاد دوران گذار پذیرفته شد و نتیجتاً هیچ تحول اقتصادی در شوروی صورت نگرفت و «بازسازی یک حکومت عادی بورژوازی» بود. البته این ترهات را تا آنجا ادامه می‌دهند که گوئی تحولات روسیه در دوره لنین و بویژه استالین با خواست‌های سرمایه‌داری مطابق بوده و ساختمان سوسیالیسم بر طبق این نیاز بورژوازی بزرگ شوروی شکل گرفته است.

طبیعی بود که در روسیه‌ی فقیر و منهدم شده از جنگ جهانی اول و جنگ‌های داخلی با آن اقتصاد کوچک و پراکنده، ایجاد ساختمان سوسیالیسم به یکباره متصور نباشد. روسیه پس از انقلاب به واسطه‌ی شرایط جنگ در تهاجم اقتصادی خود علیه دهقانان و سرمایه‌داران کوچک بدون آن که پرولتاریا را برای آن آماده نماید، بیش از اندازه پیش تاخت. این امر سبب مقاومت کولاک‌ها و کاهش تولید و اخلال در توزیع گردید. قشر وسیعی از دهقانان ناراضی بوده و با امتناع از واگذاری غله به دولت شرایط بسیار سخت و بحرانی‌ای، که منجر به قحطی شد، به وجود آوردند. اگر در این دوره به موقع عقب‌نشینی

مارکس و انگلس در مانیفست کمونیست خاطر نشان می‌سازند که:

«پرولتاریا برای این که قدم به قدم سرمایه را از دست بورژوازی بگیرد و تمامی وسائل تولید را در دست دولت متمرکز سازد از سُلطه‌ی خود استفاده می‌کند».

انگلس نیز در آنتی دورینگ تأکید دیگری به این مسئله دارد و می‌گوید:

«پرولتاریا حکومت دولتی را به دست می‌گیرد و قبل از هر چیز وسائل تولید را به مالکیت دولتی مبدل می‌سازد». (تأکیدات از ماست - توفان)

پس روشن است که در اقتصاد دوران گذار یعنی اقتصاد دوره‌ی دیکتاتوری پرولتاریا باز هم با قدرت «لعتنی» این دولت سر و کار داریم که تمام سرمایه را در دست خود متمرکز کرده و بی‌اعتنا به جنجال‌های «ضد آتوریت» آنارشیستی و طرح باکونینیستی «فدراسیون کمون‌های آزاد»، با انضباطی آهنین سازمان عظیم تولید را هدایت می‌کند. این «انحصار دولتی سرمایه» خلاف نظر جریان‌ات آنارشیست شورا طلب نه تنها برای حزب بلشویک، بلکه حتی از مدت‌ها قبل در دوران مارکس روشن بوده است. اگر لنین از ناروشنی «سرمایه‌داری» حرف می‌زند، نوع خاص روسیه بود که در بالا توضیح دادیم. «ح. ک. ا» بیچاره قاطی کرده است.

در بینش ایده‌آلیستی کنکرت، با مفاهیم، تعریف می‌شود، سر و ته کنکرت مشخص زده می‌شود، تا در غالب مفهوم بگنجد. اما درک ماتریالیستی مفهوم را از کنکرت در می‌آورند.

نظریه‌ی سرمایه‌داری دولتی و عدم اعتقاد به پیروزی سوسیالیسم در یک کشور و هم چنین نظریه‌ی آنارشیستی شورائی خطوط انحرافی مرتبطی هستند که حزب ما بارها آن را تحلیل کرده و جزوات متعددی انتشار داده است. برای آشنایی بیشتر با نظرات حزب ما می‌توانید به کتابخانه اینترنتی توفان رجوع کنید و این آثار ارزشمند را مطالعه کنید. ●

سوسیالیسم و سرمایه‌داری دولتی بورژوازی برابر می‌داند. به عبارت دیگر این عده از درک تفاوت ۳ شکل اقتصادی فوق عاجز هستند، از این رو ناچاراً به این نتیجه می‌رسند که «سرمایه‌داری دولتی» شکل اقتصاد دوره‌ی دیکتاتوری پرولتاریاست، که لنین آن را توصیه کرده و آنها نیز با آن «مخالف‌اند». همان طور که اشاره رفت چنین نسبتی به لنین کاملاً نادرست و نوع خاصی از «سرمایه‌داری دولتی»، که در یک دوره از تاریخ به بلشویک‌ها تحمیل شد، تنها کاربرد تاکتیکی داشته و از شاخه‌های سوسیالیستی متمایز بود. لنین در این باره می‌گوید:

«این سرمایه‌داری دولتی شکل غیر مترقبه‌ای است از سرمایه‌داری که هیچکس آن را پیش‌بینی نکرده است.... دولت پرولتاریائی با این سرمایه‌داری مدارا می‌کند یعنی ما، باید به مطالعه‌ی آن پردازد و کاری کند که سرمایه‌داری دولتی در دولت پرولتاریائی نتواند و جرأت نکند که از حدود و شرایطی که پرولتاریا برای او معین کرده و برای پرولتاریا مفید است، فراتر رود». (جلد ۳۳ مجموعه‌ی آثار - ص ۳۱۷)

آن چیزی که لنین آن را اقتصاد دوران گذار و یا اقتصاد سوسیالیستی می‌داند، انحصار دولتی سرمایه است. آن طور که از قبل از دهه‌ی ۶۰ در روسیه وجود داشت و چیزی جز سوسیالیسم نیست. این مالکیت سوسیالیستی که در دست دولت پرولتری متمرکز است برای عده‌ای قابل درک نیست و به صورت سرمایه‌داری دولتی فهمیده می‌شود. معلوم نیست که طرح خودشان از شکل اقتصادی دوره‌ی گذار چیست؟ آیا همان طرح معروف باکونین یعنی «فدراسیون کمون‌های آزاد» است یا «واگذاری کارخانه‌ها به کارگران». دیگر مدت‌هاست که روشن شده است که مالکیت دولتی وسائل تولید هنگامی که دولت، دولت پرولتاریا باشد و دیکتاتوری پرولتاریا حاکم باشد، خصلت سوسیالیستی دارد. لنین می‌گوید:

«سوسیالیسم چیزی نیست جز گام بلاواسطه‌ای که از انحصار سرمایه‌داری دولتی به پیش برداشته می‌شود. یا به عبارت دیگر، سوسیالیسم چیزی نیست جز انحصار سرمایه‌داری دولتی که به خدمت خلق گذارده شود و از این لحاظ دیگر جنبه‌ی انحصار سرمایه‌داری خود را از دست داده است». (خطر فلاکت و راه مبارزه با آن).

طبیعی است که پرولتاریائی که قدرت را به دست آورده است، باید وسائل تولید و سرمایه را تحت تابعیت دولت دیکتاتوری پرولتاریا قرار دهد. این از اصول اساسی سوسیالیسم است، که آن را با آنارشیسم در اینجا متفاوت می‌نماید.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است



Telegram
The world's fastest messaging app.
It is free and secure.

پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام

پرسش: دوستان امروز شعارهای مردم ایران روشن است. مردم شعارهایی می‌دهند که برخلاف گروه‌های سیاسی از جمله حزب شما است. شعارهای مخالفت با کمک به سوریه، لبنان، فلسطین و یمن زمانی مطرح می‌شوند که مردم نان شب ندارند. مگر چپ‌ها نباید از مردم و شعارهایشان حمایت کنند؟

پاسخ: حزب ما از شعارها و مطالباتی دفاع می‌کند که دارای مضمون و اهداف مترقی باشند.

حزب ما به عنوان یک حزب کمونیست و انترناسیونالیست از حقوق تمام آحاد توده مردم و تحت ستم دفاع می‌کند و به تبلیغ وحدت و همبستگی می‌پردازد. لازم به یادآوری است که در هر جنبش اعتراضی فاقد رهبری انقلابی و کمونیستی، بروز هر شعاری، حتا شعار بر ضد اهداف انسان‌دوستانه تظاهرکنندگان امکان‌پذیر است. دشمنان مردم با سوء استفاده از خلاء سیاسی موجود شعارهای نژادپرستانه و صهیونیست‌پرستانه و امپریالیست‌پرستانه و انحرافی را از طریق رسانه‌های امپریالیستی به درون جنبش می‌برند، تا آن را از مسیر طبیعی خود منحرف کنند. از جمله شعار «فلسطین، سوریه عامل بدبختی»! یکی از این شعارهای ارتجاعی است. چنین شعاری چه آگاهانه یا ناآگاهانه باشد خوش خدمتی و تطهیر رژیم نژادپرست و متجاوز و استعماری اسرائیل است که غزه فلسطین با بیش از یک میلیون زن و مرد و کودک و پیر و جوان را تحت محاصره دریایی، هوایی و زمینی درآورده و نان، آب و دارو و ابتدائی‌ترین نیازهای انسانی را بر آنها حرام اعلام کرده است. روزی نیست که کودکان و جوانان فلسطینی در اعتراض به وضع ضدانسانی موجود به گلوله بسته نشوند. حقوق بشرطلبان ریاکار «متمدن» در مورد این بزرگترین زندان جهان سکوت مرگ کرده‌اند! تبلیغ فلسطین‌ستیزی همدمستی با آدم‌خواران و شکنجه‌گران و کودک‌کُشان جهانی است، چه بدان آگاه باشند یا نه باشند.

سوریه ستیزی و نفرت‌پراکنی علیه مردم سوریه مشروعیت‌بخشیدن به جانواران تروریست داعشی در سوریه است و چنین سیاستی جز دامن‌زدن به کینه و نفرت بین خلق‌های ایران و سوریه و کلاً زحمتکشان ملل مختلف خاورمیانه معنا نمی‌دهد. این سیاست خدمت به منافع اسرائیل و امپریالیسم آمریکا در منطقه است، که بخشی از خاک سوریه را به اشغال خود درآورده‌اند.

کمونیستها و همه رهروان راه طبقه کارگر و مدافعین راستین سوسیالیسم همواره مُبشر برابری و دوستی و همبستگی تمام زحمتکشان ملل جهان بوده و هستند. تنها چنین پرچم و شعاری است که مظهر اتحاد، دوستی، تفاهم، همبستگی و همسرنوشتی ملل مختلف را بازتاب می‌دهد. تنها با به اهتزاز درآوردن پرچم اتحاد و همبستگی و مبارزه بی‌امان علیه دشمنان بشریت و شعارهای نفرت‌انگیز نژادپرستانه و شوونیستی است که می‌توان به وظیفه انترناسیونالیستی، برابری و وحدت‌طلبانه جامه عمل پوشید.

باید توجه کرد که عامل بدبختی ملت و همه زحمتکشان ایران، نظام ضدبشری سرمایه‌داری حاکم بر ایران، سیاست‌های نیولیبرالی، اختلاس و دزدی و رانت‌خواری است و این ربطی به ملل فلسطین و سوریه، لبنان و یمن ندارد. شعار حزب ما برخلاف آن شعارهای انحرافی، که شما بر شمردید، شعار صحیح اتحاد و همبستگی خلق‌های منطقه علیه ارتجاع و امپریالیسم را طرح می‌کند. حزب ما به جای شعار اسرائیلی «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران»، شعار «چه غزه، چه سوریه، چه لبنان، چه ایران، وحدت زحمتکشان بر ضد ستمگران» را طرح می‌کند! تنها با طرح شعارهای صحیح و وحدت‌طلبانه با روح همبستگی و برادری و برابری است که می‌تواند راه‌گشای مشکلات مردم ایران و منطقه باشد. دنباله‌روی از مردم و شعارهای انحرافی و «همه با هم» سیاست صحیحی نیست و حزب ما ضمن حمایت از مبارزات مردم بر ضد رژیم جمهوری اسلامی به مبارزه علیه شعارهای انحرافی نیز می‌پردازد و در جهت تقویت مطالبات و اهداف مترقی جنبش مردم، که برای آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و استقلال است، از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزد.



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/toufan.hezbekar					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب

POSTBANK

bank code 20110022

bank account No.: 25773372600

IBAN: DE70201100222573372600

P.O. BOX 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Fax: 00496996580346